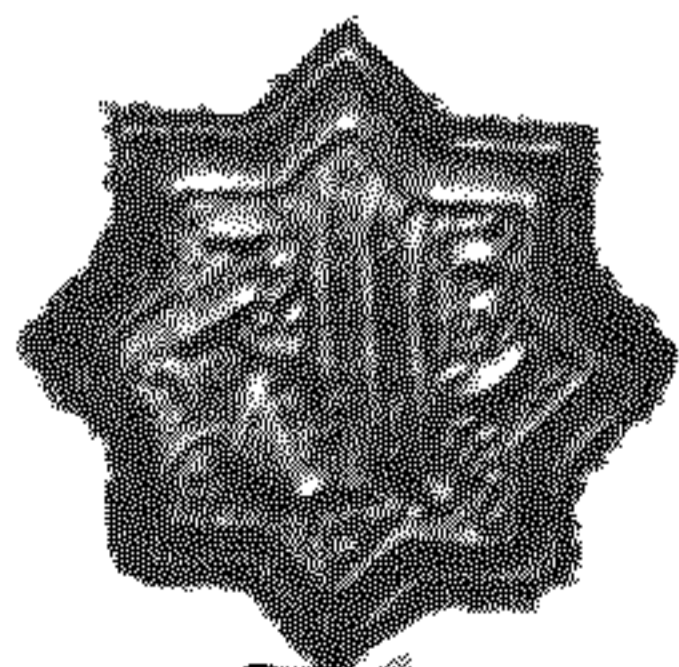


سوره
احزین

مؤلف : مهدی نادری



پای آخرین ستاره
ذخیره خدا در زمین

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم كن لوليك
الحججه بن الحسن صلواتك عليه و على آباءه في
هذه الساعه و في كل ساعه و لياً و حافظاً و قاعداً
و ناصرأ و دليلاً و عيناً حتى تسكنه ارضك طوعاً و
تمتعه فيها طويلاً



تقدیم به ارباب ملک هستی
امام پرده نشین
«و قطب عالم وجود» آخرین ستاره آسمان امامت
ولی مطلق ، حضرت بقیه الله فی الارضین



نام کتاب : آخرین ستاره

مؤلف : مهدی نادری

انتشارات : پویش اندیشه

محل نشر : اصفهان

حروفچینی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی: موسسه تبلیغاتی رشاد (۰۳۱۱-۶۶۲۹۵۰۵)

شمارگان : ۳۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ : اول - ۱۳۸۴

قیمت : ۱۲۰۰۰ ریال

ISBN: 964-8611-88-2

شابک: ۹۶۴-۸۶۱۱-۸۸-۲



مقدمه	۱
ماجرای داستان ازدواج حضرت نرجس خانم با امام حسن عسگری	۶
نسب حضرت مهدی (عج)	۱۳
تولد حضرت مهدی (عج)	۱۵
اسماء حضرت مهدی (عج)	۱۶
مقام امامت	۱۸
چرا نامی از ائمه در قرآن برده نشده است	۱۹
امام باید عالم به مسائل و مدبر باشد	۲۱
اطاعت امام و شرط قبولی طاعات	۲۶
زمین هیچگاه بدون امام نمی باشد	۳۲
اهمیت شناخت حضرت مهدی (عج)	۳۷
کوچکترین وسیله گمراهی	۳۹
فرق ضاله و مکاتب انحرافی	۴۰

صفحه	عنوان
۴۶	آداب و رسوم امت آخر زمان از دیدگاه اهل بیت
۵۳	علت تأخیر در امر فرج
۵۵	یاران و اصحاب حضرت
۵۸	آخرین حکومت
۶۴	روش حضرت مهدی (عج) در امر حکومت
۶۸	فوائد دعا به جهت تعجیل در فرج
۷۰	سیطره اسلام بر همه ملل و ادیان
۷۷	مرجع شیعه در زمان غیبت
۸۱	مجالست با حضرت
۸۵	منجی آخرالزمان و ادیان
۹۳	امیرالمومنین (ع) و آخرالزمان
۹۶	حضرت قائم (عج) و انتقام خون جدشان امام حسین (ع)
۹۸	تشکیل حکومت و رفع مشکلات
۱۰۰	آثار و علامات انتظار
۱۰۹	وظایف مسلمانان در عصر غیبت
۱۱۲	نماز ایام و لیالی هفته

بسم ... الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد (ص) و آله
الطيبين الطاهرين و اللعن على اعدائهم اجمعين

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید

سحرگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری است، شهر سامرا، نه ... که همه گیتی، بلکه نه ...
سراسر تاریخ انسانهای مظلوم و محروم در یک تب و تاب و انتظار مولودی مسعود به سر می برد.
لشکر ظلمت و سپاه شرک و کفر ابلیسیان در شب تار و سیاه جولان خویش شکست خورده و بی
رمق می گریزد.

باید بگریزد، چونکه او می آید ...

جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقا

خورشید تابناک امامت، نور مطلق، حجت کبریائی حق و ذوالفقار انتقام خداوند قهار،
بنیان ساز کاخ رفیع عدالت می آید.

آری امام دوران، صاحب الزمان می آید ...

نور وجود مقدسش در این سحرگاه خجسته، تمام آفاق آسمانها و کرانه های زمین را
روشن ساخت.

به هنگام تولد، همچون پدران معصوم خود در برابر آستان ربوبی حق به سجده افتاد و به

توحید و نبوت و ولایت شهادت داد و عرضه داشت :

اللهم انجز لي ما وعدتني و اتمم لي امري و ثبت و طاتي و املا بي الارض

قسطا و عدلا

بارالها آنچه مرا وعده داده ای منجز فرمای و امرم را تمام و قدمم را استوار کن و بوسیله

من زمین را پر از عدل و داد گردان .

از اینرو جباران طاقت دیدنش را نداشته و بر آن شدند که شمع وجودش را خاموش کنند.

اما حکمت پروردگار بر آن شد که حضرتش را از دیدگان مردم جز عده ای قلیل پنهان گرداند.

امام ششم درباره فلسفه غیبت فرمود: این موضوع پس از ظهور ایشان آشکار خواهد

گشت و به اجمال می فرماید که فلسفه غیبت ایشان همانند غیبت پیامبران گذشته است . اسلام

حضرت مهدی (عج) را بعنوان یک حقیقت واقعی، مولود و پایدار و زنده ای معرفی می کند در

هر آن انتظار انقلابش می رود و انقلابش امید رهائی کلیه ملل مستضعف جهان می باشد.

ظهور مهدی حلقه ای است از حلقه های مبارزه اهل حق و باطل که به پیروزی نهائی اهل

حق منتهی می شود.

پس اعتقاد به ظهور حضرت و انقلاب وی مقدمات، آداب و برنامه هائی دارد که همگی

تدوین شده و جزء برنامه های اصلی اسلام از زمان پیامبر بوده و همیشه بدان روز مژده داده شده

لذا مکتبی است با آرمانهای والا.

مکتب انتظار معجونی است از عشق و شفقت و جهاد، خودسازی و سازندگی، مقاومت و

پایداری، ایثار و فداکاری، عاطفه و احساس، آمادگی و مبارزه، عشق و امید، حرارت و شوق،

تحرک و جوشش، مسئولیت و تعهد، توحید و اعراض از شرک و عزت و سرافرازی و هر آنچه که یک انسان متعالی می تواند به آن بیندیشد و سزاوار آن باشد.

اهل این مکتب تنها سربر آستان خداوند یکتا می ساینند و از شرک و کفر و مظاهر آن روی گردانند و با آن مبارزه می کنند و همیشه در سنگر دفاع و جهاد آماده جانفشانی می باشند و با دشمنان درونی و برونی می رزمند و چشم براه محبوب و مراد خویش هستند.

با دلی نالان و چشمی گریان و بینشی عمیق و وسیع و چشم اندازی روشن به آینده ای درخشان و امیدبخش به انتظار او و به عشق وجودش در انتظار دیدن رخسار چون خورشیدش، آماده و مهیا، گوش به فرمان ندای آسمانی حقش، برای جانفشانی در راهش لحظه شماری می کند.

اهالی خوب و باصفای مکتب انتظار را هیچ چیزی نمی تواند از پای درآورد و تهدید و ترغیب و تطمیع منافقین و کفار، دل چون آهن او را نمی لرزاند و لحظه ای مردد به انگیزه خود نمی شود و به تنها چیزی که فکر می کند رویت جمال خورشید گونه اش است.

رکود و جمود، سکون و سکوت، پژمردگی و افسردگی در او راهی ندارد او سرباز ساخته و پرداخته مکتب والای انسان ساز حضرت مهدی (ع) است بله حضرت مهدی (ع)، حجت خدا در گیتی است، مکتب و برنامه اش جهانی است همه ادیان با هر بینش چشم به او دوخته اند.

حضرت مهدی آمال تمامی آرزومندان و خیراندیشان و مستضعفین می باشند.

اصول و قواعد زیبایی زندگی و برنامه های الهی او تا اعماق روح انسانها نفوذ می کند و تمامی خلاها و هستی شان را پر می سازد و بر رفیع ترین قله های فضائل و کمالات در دو بعد مادی و معنوی پرواز میدهد.

مکتب مهدی (ع)، سازنده ترین و بهترین و عالیترین و برترین مکتب الهی است و مکتب انتظار، تنها مکتب حق و راستین و عاری از هر کذب و شیبی است که پایه ها و اساس ارزشها و تعالیم فردی و اجتماعی، اخلاقی، انسانی، علمی، فرهنگی و سیاسی را با استفاده از منبع وحی بنیان نهاده است.

سرسلسله این مکتب، حضرت بقیه ا...، امام زمان خلیفه الرحمن و حجت خداوند در میان مردم و مظهر جامع و کامل همه صفات الهی و تجسم عینی و خارجی تمام ارزشهای والا و حقایق عالی انسانی و هادی و راهنمای مسیر کامل و مسیر الی الله است. پس، سهم هر انسان تشنه معارف و جویای حق و خواهان سعادت، موقوف به این است که فرد عملاً در گروه اهل حق درآمده باشد و جز مکتب انتظار بوده باشد تا مورد خطاب این آیه شریفه باشد.

وعدا... الذین آمنوا و عملوا الصالحات لیستخلفهم فی الارض و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدون نفی لایشركون بی شیا

امید است که ما نیز جز منتظرین واقعی و از اصحاب صدیق مولا بوده باشیم تا مشمول

دعای خیر و نظر پر لطف ایشان قرار گیریم.

آرزو داریم با ظهور حضرتش آمال و آرزوهای دست نیافتنی بشر محقق شود و خون
بناحق ریخته شده انسانهای بزرگ و شریف با وجود ایشان به بار نشیند و دل سوخته، آرزومندانش
تسلی یابد و غم بشر به پایان رسد و بشریت از این همه سردرگمی و پریشانی و اضطراب نجات
یابد و کام بشر از وجود پرفیض حضرتش شیرینی و حلاوت یابد انشاء الله...

داستان ازدواج امام حسن عسگری (ع) با ملیکه خانم

بشر بن سلیمان از مجاورین و شیعیان حضرت امام هادی بود. او می گوید روزی کافور، خادم امام هادی (ع) پیش من آمد و گفت امام هادی (ع) تو را می خواند. من به خدمت امام رسیدم. حضرت فرمود: تو از اولاد انصار هستی و دوستی اهل بیت پیوسته در شما به ارث بوده است و شما مورد اعتماد ما اهل بیت هستید، من تو را به فضیلتی مشرف خواهم کرد. که بواسطه آن بر شیعیان سبقت جوئی و به سّری که اطلاع خواهم داد، تو را می فرستم در خریدن کنیزی.

امام نامه ای به خط رومی نوشت و مهر نمود و پارچه زردی که در آن دویست و بیست دینار بود به من داد و فرمود اینها را بگیر و برو به بغداد و در صبحگاه فلان روز در معبر فرات حاضر شو، خواهی دید که قایقها کنیزان را می آورند.

در آنجا برده فروشی بنام عمر بن یزید را زیر نظر بگیر، کنیزی دارد به خریداران نشان می دهد که در فلان صفات است، حریری ضخیم پوشیده خودش را از نشان دادن به دیگران و از این که کسی دست به او بزند امتناع می ورزد و از او صدائی به لغت رومی از زیر روپوش نازکش خواهی شنید و معنی کلام او این است که می گوید وای از هتک پرده ام.

خواهی دید که بعضی از خریداران می گویند. این کنیز را به سیصد دینار می خرم که بسیار عفیف است. آن کنیز در جواب گوید: ای فلانی! اگر در قیافه سلیمان بن داوود و در حکومت نظیر حکومت او هم باشی من به تو رغبتی ندارم بی جا پولت را هدر مکن.

در این موقع برده فروش به آن کنیز خواهد گفت: پس من چه کنم؟ به هیچ خریداری رغبت نداری، من هم که باید تو را بفروشم. پس چاره این کار چیست؟ کنیز در جواب خواهد

گفت: چرا در فروختن من عجله می کنی باید خریداری یافت شود که دل من او را بخواهد و به وفا و امانت او دلگرم باشم.

در این وقت پیش آن برده فروش برو و بگو: من نامه ای به لغت رومی دارم، بهترین انسان شریف آنرا بخط رومی نوشته است و در آن کرم و وفاداری، نجابت و سخاوت خویش را شرح داده است، تو این نامه را به آن کنیز بده اگر از نویسنده نامه خوشش بیاید من وکیل او هستم این کنیز را بخرم.

بشربن سلیمان گوید: فرموده های امام را مو به مو عمل کردم تا جایی که نامه امام را به او دادم کنیز چون نامه را خواند با صدای بلند گریست و به برده فروش گفت: مرا به صاحب این نامه بفروش و سوگند اکید یاد کرد که اگر به این شخص نفروشی خودم را خواهم کشت. من درباره قیمت با او چانه زدم تا به پولی که امام هادی علیه السلام داده بود توافق کردیم.

پول را داده و کنیز را در حالی که می خندید و شاد بود تحویل گرفتم تا او را به منزلی که در بغداد داشتم آوردم، هنوز ننشسته بود که نامه امام هادی را از جیب درآورد، می بوسید و بر چشمش و صورتش می گذاشت و بر بدنش می مالید. گفتم عجب است نامه ای را می بوسی که صاحبش را نمی شناسی؟ گفت: ای کسی که از شناختن مقام اولاد انبیاء عاجزی! گوش کن و قلبت با من باشد مگر من برده هستم!! نام من ملکیه دختر یسوعا پسر قیصر پادشاه روم می باشم، مادرم از اولاد حواریون می باشد و به وصی حضرت عیسی (ع) شمعون می رسد. جریان عجیب خویش را برای شما نقل می کنم.

پدر بزرگم قیصر خواست مرا به برادرزاده اش تزویج کند. من حدود سیزده سال داشتم، سیصد نفر از نسل حواریون حضرت عیسی، از کشیشان و راهبان را جمع کرد، هفتصد نفر از بزرگان دیگر و چهارهزار نفر از فرماندهان و نقباء لشکرها و ملوک عشایر در آن شرکت کردند. از آن طرف تخت مزینی که دارای چهل پله بود آماده کرد. پسر برادرش بالای آن رفت، اسقفها به پا خاستند. انجیلها را باز کردند، صلیبها را بالا بردند و چون خواستند مراسم عقد را اجرا کنند ناگهان تخت برافتاد، پایه هایش شکست، عموزاده ام بیهوش به زمین افتاد. اسقفها به لرزه درآمدند، رئیس اسقفها به پدر بزرگم گفت ما را از این پیشاور نحس که حاکی از زوال دین مسیحی و این حکومت است معذور بدار.

پدر بزرگم آن را به فال بد گرفت و به اسقفها گفت: مجلس جشن را باز دایر کنید این بار برادر این داماد بدبخت را آماده کنید تا این دختر را به او تزویج کنم. آنها چنان کردند ولی باز جریان اول تکرار شد. مردم پراکنده شدند، جدم غمگین به منزل زنان رفت و پرده ها انداخته شد. من در آن شب خواب دیدم. گویا حضرت عیسی و شمعون و عده ای از حواریون در کاخ جدم جمع شده منبری از نور نصب کرده اند که بسیار بلند است. این منبر در همان جایی بود که جدم تخت واژگون شده را در آنجا نصب کرده بود. در آن موقع دیدم که حضرت پیامبر و دامادش حضرت علی (ع) و عده ای از اوصیاءش داخل شدند. حضرت مسیح پیش آمد و آن حضرت را در آغوش کشید.

حضرت محمد (ص) می فرمود: یا روح ا... من آمده ام از وصی تو شمعون، دخترش

ملیکه را برای این فرزندم - اشاره به حضرت امام عسگری (علیه السلام) - خواستگاری نمایم.

حضرت عیسی (ع) خطاب به شمعون گفت شرافت به سوی تو روی آورد. نسل خویش را به نسل آل محمد (ص) پیوند کن. گفت قبول کردم. حضرت محمد (ص) بالای منبر رفت و خطبه خواند و مرا به فرزندش (امام عسگری علیه السلام) تزویج کرد. حضرت مسیح و حضرت محمد (ص) و حواریون شاهد آن شدند.

چون از خواب بیدار شدم، از نقل این خواب بر پدر و جدم پرهیز کردم که مبادا مرا بکشند. این راز را همچنان پنهان داشته بر کسی نمی گفتم قلبم مالا مال از محبت ابومحمد عسگری (ع) شده بود. از طعام دست کشیدم، بدنم ضعیف و لاغر شد. بشدت مریض گشتم، در روم دکتری نماوند که جدم احضار نکرده و از دواي من نپرسد، چون از همه مایوس شد، به من گفت: نور چشمم! آیا چیزی میل داری در اختیار بگذارم؟ گفتم احساس می کنم که درهای فرج بر من بسته است؟ اگر اسیران مسلمان را که در حبس تو است احترام کنی، شاید مسیح و مادرش را خوش آید و به من شفا دهند جدم آنها را احترام کرد، من به خود فشار آورده تا حدی اظهار صحت کرده به طعام و شراب دست زدم، جدم شاد شد، بر احترام اسیران افزود و آنها نوید آزادی داد.

بعد از چهارده شب سیده زنان عالم، فاطمه زهرا علیها السلام را در خواب دیدم با حضرت مریم و هزار کنیز بهشتی به زیارت من آمدند حضرت مریم می گفت: این سیده زنان جهان، مادر همسر تو امام حسن عسگری (ع) است، من به فاطمه زهرا چسبیده و گریه کردم و گفتم: ابومحمد عسگری (ع) از دیدار من امتناع می کند. حضرت فاطمه زهرا (س) فرمود: پسر من تو را دیدار نمی کند چون تو هنوز مشرک هستی و در مذهب نصاری می باشی، این خواهر من

داستان ازدواج امام حسن عسگری (ع) با ملیکه خانم ۱۰

حضرت مریم (ع) است، از دین خود بیزار می‌کنم، و اگر به رضای خدا و رضای مسیح و مریم و ملاقات پسر من مایل هستی بگو "اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان ابی محمداً رسول الله" چون من این کلمه را گفتم، حضرت فاطمه زهرا (س) مرا در آغوش گرفت و مرا امیدوار کرد و فرمود: اکنون رسیدن به فرزند مرا امیدوار باش، من او را پیش تو می‌فرستم من از خواب بیدار شدم و گفتم امیدوار ملاقات ابو محمد عسگری (ع) می‌باشم.

شب بعد حضرت ابو محمد عسگری (ع) را در خواب دیدم، گویا به او گفتم محبوب من! به من جفا کردی با آن که وجود خویش را در محبت تو از دست داده‌ام. فرمود: علت تاخیر، مشرک بودن تو بود. اکنون که مسلمان شده‌ای هر شب به دیدار تو خواهم آمد. تا وقتی که خدا میان من و تو رادر عالم عیان جمع کند. از آن روز دیگر ملاقات خویش را با من قطع نکرده است.

بشربن سلیمان گوید: چون سخنش به اینجا رسید. گفتم: چطور به اسارت در آمدی؟

گفت ابو محمد عسگری (ع) شبی به من فرمود: جدت لشکری در فلان روز به جنگ مسلمانان خواهد فرستاد، بعد آن کار را ادامه خواهد داد تو در قیافه خدمتکار با عده‌ای از کنیزان از فلان راه با آنها باش. من نیز این کار را کردم، مسلمانان به ما رسیدند من به اسارت در آمدم. کسی تا به حال ندانسته که من دختر پادشاه روم هستم.

مردی که من بصورت اسیر در سهم او افتاده بودم. از نام من پرسید، من نام اصلی خود را

پنهان کرده، به او گفتم نامم نرجس است گفت عجب تو اهل روم هستی و نامت کلمه عربی است و عربی را خوب می‌دانی گفتم این به علت آن است که پدرم به دانستن آداب اعراب علاقه داشت زنی را بر من مامور کرده بود که زبان و آداب عربی تعلیم می‌داد.

بشر بن سلیمان گوید: چون او را به سامرا آوردم، به خدمت مولای خود امام هادی (ع) بردم آن حضرت به نرجس فرمود خدا چطور عزت اسلام و ذلت نصرانیت و شرافت محمد (ص) و اهل بیت او را به تو نشان داد؟ گفت یابن رسول...! چطور توصیف کنم جریانی را که تو بهتر از من می دانی.

امام فرمود: من می خواهم به تو احترام نمایم آیا ده هزار دینار را خوش داری یا بشارت شرافت ابدی را؟ گفتم: بشارت فرزندی را امام صلوات... علیه فرمود: بشارت باد تو را به فرزندی که شرق و غرب را مالک و حاکم خواهد شد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد چنانکه از ظلم و جور پر شده باشد.

نرجس گفت: خدا این فرزند را از کدام شوهر به من خواهد داد؟ فرمود: از کسی که رسول خدا تو را در فلان شب و فلان ماه و فلان سال برای او خواستگاری کرد با لغت رومی، گفت: همان که از حضرت مسیح و وصی مسیح خواستگاری کرد؟ امام فرمود: حضرت مسیح و وصیش تو را به کدام تزویج کردند؟ جواب داد به فرزند تو، ابو محمد (ع).

امام فرمود: آیا او را می شناسی؟ عرض کرد: مگر شبی پیش آمد که او را ندیده باشم از روزی که به دست فاطمه زهرا (س) اسلام آوردم.

بشر بن سلیمان گوید: در آن موقع حضرت هادی (ع) به کافور، خادم خود فرمود: /خواهرم حکیمه را به اینجا دعوت کن، چون حکیمه آمد، امام فرمود: نرجس همین است. حکیمه، نرجس را در آغوش کشید و مفصل با او راز گفت. امام هادی (ع) به حکیمه فرمود: ای

داستان ازدواج امام حسن عسگری (ع) با ملیکه خانم

 ۱۲

دختر رسول خدا! او را به منزل خودت ببر و احکام و سنن را به او تعلیم کن. او زوجه ابومحمد
(ع) و مادر قائم آل محمد (عج) است.

کتاب کمال الدین شیخ صدوق

کتاب غیبت - شیخ طوسی

نسب حضرت

نسب حضرت قائم (عج)، نسب عالمگیری است، او از طرف پدران به حضرت رسول الله (ص) و حضرت علی و حضرت فاطمه علیهم السلام می رسد، از ناحیه امام سجاد (ع) به ایرانیان نسبت دارد و از طرف مادر به دنیای اروپا می پیوندد. به نظر می آید که به وقت ظهور از این نسب استفاده خواهد کرد و همه او را از خودشان می دانند.

قال رسول الله :

ابشری یا فاطمه ، فان المهدی منک

بشارت باد تو را ای فاطمه که مهدی از تو است .

قال رسول الله :

بلی رجل من اهل بیتی یواطی اسمه، اسمی ، لولم یبقی من الدنیا الا یوم

لطول الله ذلک الیوم حتی یلی :

مردی از خاندان من حکومت خواهد کرد که نامش با نام من یکی است اگر از دنیا جز یک روز نمانده باشد، خداوند آنروز را دراز گرداند تا او حکومت را بدست گیرد.

روزی رسول خدا (ص) به حضرت زهرا (س) فرمودند: دخترم خداوند تبارک و تعالی

هفت چیز به ما داده که به احدی قبل از ما نداده است . ۱- پیامبر ما بهترین پیامبرهاست که او پدر

توست . ۲- وصی او بهترین اوصیاست که او شوهر توست . ۳- شهید ما بهترین شهداست که او

حمزه عموی پدر تو است . ۴- از ما کسی هست که بخاطر از دست دادن دو دستش در راه خدا به او دوبال داده تا در بهشت پرواز کند. ۵ و ۶- از ما دو فرزند است ، حسن و حسین، قسم به آن خدائی که غیر از او خدائی نیست ۷- مهدی (عج) از ماست ، همان کسی که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می خواند و سپس رسول الله دست بر پشت امام حسین (ع) گذاردند و سه مرتبه فرمودند (او) از نسل ایشان است .

تولد حضرت

حکیمه می گوید در شب تولد حضرت آثاری از حمل در نرجس خاتون نبود. صبح کاذب طلوع کرده بود. در نرجس اضطراب مشاهده کردم او را گرفتم و نام الهی را بر او خواندم حضرت از حجره خود صدا زدند و فرمودند که سوره قدر را بر او بخوان. از نرجس پرسیدم که چه حالی داری گفت ظاهر شد برایم آثار بارداری. حکیمه می گوید چون شروع کردم بخواندن سوره قدر شنیدم که آن طفل در شکم مادر با من همراهی می کرد در خواندن و بر من سلام کرد، من ترسیدم پس حضرت صدا کرد که تعجب مکن از قدرت حق تعالی که طفلان ما را به حکمت گویا میگرداند و ما را در بزرگی حجت خود ساخته در زمین. پس چون کلام حضرت امام حسن (ع) تمام شد نرجس از دیده من غائب شد گویا پرده ای میان من و او حائل گردید.

حکیمه می گوید: در این لحظه بسوی امام حسن (ع) دویدم. حضرت فرمود: برگرد ای عمه که او را در جای خود خواهی دید، برگشتم، پرده گشوده شد و در نرجس نوری مشاهده کردم که دیده مرا خیره کرد و حضرت صاحب الزمان (عج) را دیدم که رو به قبله به سجده افتاده و انگشت سیابه را به آسمان بلند کرده و می گوید.

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و ان جدی رسول الله و ان ابی امیرالمومنین وصی رسول الله

یک یک امامان را شمرد تا بخودش رسید، فرمود

اللهم انجزلی وعدی و اتمم لی امری و ثبت و طاتی و املا الارض بی عدلاً و قسطاً
 خداوندا وعده نصرت که بمن فرموده ای وفا کن و امر خلافت و امامت مرا تمام کن و استیلاء و انتقام مرا از دشمنان ثابت گردان و پر کن زمین را به سبب من از عدل و داد.

اسماء حضرت

بقیه الله : حضرت چون خروج کند پشت به دیوار کعبه کند و جمع می شود سیصد و سیزده مرد.

حضرت اول صحبتی که می فرمایند آیه شریفه :

بقیه الله خیر لکم ان کنتم مومنین

آنگاه می فرمایند منم بقیه الله و حجت او و خلیفه او بر شما

حجه : به معنی غلبه یا سلطنت خدا بر خلائق و این اسم در همه ائمه اشتراک دارد و همگی

حجت و دلیل می باشند. از جانب خداوند بر خلق در آسمانها و زمین .

خلف صالح : آنحضرت جانشین همه انبیا و اوصیاست و دارای جمیع علوم و صفات و حالات و

خصایص آنها و موارث الهی .

حضرت وقتی ظهور نمایند تکیه به کعبه می کند و می فرماید :

من اراد ان یفطر الی ادم و شیث فها انا ادم ...

قائم : یعنی بر پا شونده در فرمان حق تعالی چون که آنحضرت پیوسته در شب و روز مهیای فرمان

الهی است که به محض اشاره ظهور فرماید و به دلیل دیگر که قیام آنحضرت بحق خواهد بود.

م. ح. م. ۵ : صلی الله علیه و علی ابائه و اهل بینه - اسم اصلی و نام اولی الهی

آنحضرت است . چنانچه در اخبار ، متواتر پیامبر اکرم (ص) فرمود : که مهدی همانم من است .

غریم : بدهکار، وجه شباهت آن حضرت به این نام این است که حضرت مانند شخص

بدهکار و مدیون که خود را از مردم و طلبکاران مخفی می کند. مردم نیز حضرت را جهت اخذ

علوم و شرایع از حضرتش طلب می کند و آنجناب به جهت تقیه پنهان می شود.

شویید : رانده شده از خلق ، یعنی این خلق نگون بخت نه آنحضرت را شناختند و نه قدر و منزلت وی را فهمیدند و نه قدر وجود نعمتش را دانستند و نه در مقام شکر گذاری و اداء حقش برآمدند.

امامت چیست ، امام کیست؟

امامت ریاست عمومی در امور دنیوی و دینی انسانهاست برای دستیابی به سعادت واقعی و نیل به اهداف متعالی و ارتقاء سطح فکری، عقیدتی و مادی بشر به جهت دسترسی به سرچشمه بقا و حیات جاودانی و دوری از فساد و تباهی و ظلم و تعدی و تمیز آندو از یکدیگر

امامت مانند سایر نعمتهای الهی بلکه اعظم آنها و از الطاف بی نظیر خداوند متعال بر کل عالم هستی می باشد. زیرا وقتی فردی انسانها را ارشاد و راهنمایی به سمت خیر و صلاح گرداند و آنها را از ظلم و فساد بر حذر داشته و نهی نماید خود نعمتی است که سلامت و نشاط روحی و جسمی انسان را برعهده دارد و همانگونه که در تمامی نعمتهای الهی به شکرانه بهره مندی از آنها در برابر عظمت حق تعالی به سجده می افتیم و اظهار بندگی و عجز می نمائیم این نعمت بلکه اتم و اکمل نعم الهی یعنی نعمت عظیم ولایت و امامت نیز باید به جهت برخورداری از آن و هدایت بوسیله آن شکر خدای متعال را نمود الحمدلله علی ما هدانا حال کسی که این وظیفه خطیر را بر عهده دارد هر کسی می تواند باشد؟ آیا این مقام را انسانها باید برای کسی معین نمایند؟ و سوالاتی از این قبیل که به ذهن هر انسان پویا و فعال و محقق و متفکر می رسد.

در این باب صحبتهای زیادی شده و نظرات مختلفی ارائه گردیده ولی صحیح ترین و معقولترین آنها تعاریف و دلایل امامیه (فرقه اثنی عشری و مکتب فقه جعفری شیعه امیرالمومنین) می باشد که اهمیت موضوع را دوچندان می کند.

امامیه معتقد است که امامت لطفی از ناحیه خداست و این لطف بر خدای متعال واجب

می باشد به دلایل عقلی .

چرا نامی از ائمه در قرآن برده نشده است

ابوبصیر می گوید از حضرت صادق (ع) راجع به تفسیر آیه اولی الامر سوال کردم فرمود: این آیه درباره علی بن ابی طالب (ع) و حسن (ع) و حسین (ع) نازل شده است. گفتم: مردم می گویند به چه علت نامی از علی (ع) و اهل بیت او در کتاب خدا برده نشده است.

حضرت فرمود: به آنها بگوئید: آیه نماز بر رسول خدا نازل شد و خداوند نامی از ۳ رکعت و ۴ رکعت نبرده است تا آنکه رسول خدا این آیه را تفسیر نموده و رکعات نماز را مشخص کرد و آیه زکات نازل شد و نامی در کتاب خدا برده نشده است که از چهل درهم زکات باید داد تا آنکه رسول خدا این آیه را تفسیر نمود و نصاب زکات را معین کرد و آیه حج نازل شد و خداوند در آن فرمود هفت شوط باید دور کعبه طواف کرد تا آنکه رسول خدا آیه حج را تفسیر نمود و طواف را هفت شوط قرار داد و آیه **اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم** نازل شد و این آیه درباره علی (ع) و حسن (ع) و حسین (ع) است و پیامبر برای تعیین و تشخیص اولی الامر فرمود: ای مردم آگاه باشید هر کس من ولیّ او هستم علی ولیّ اوست و فرمود: ای مردم من شما را به کتاب خدا و اهل بیتم توصیه و سفارش می کنم و من از خداوند عزّ و جلّ درخواست نموده ام که بین آن دو جدائی نیفکند تا زمانی که هر دو را با هم بر من در کنار حوض کوثر وارد کند و خداوند دعای مرا مستجاب نموده و این مسئلت مرا برآورده است. و فرمود شما به اهل بیت من یاد ندهید و آنها را تعلیم ننمائید زیرا آنها از شما داناترند... و اگر رسول خدا سکوت اختیار می کرد و اهل بیت خود را در علی (ع) و حسن (ع) و حسین (ع) مبین و معین نمی نمود هر آینه آل فلان و آل فلان ادعا می کردند که مراد از اهل بیت ما هستیم.

همانگونه که رسول الله فرموده این خاندان، خاندان علم و دانش، فرهنگ و ادب و انسانیت، و منزل ایشان محل تردد ملائکه الهی است و در این بیت بود که احکام الهی نازل شد و تفسیر گردید و اجرا شد و اسرار الهی در سینه افراد این بیت نهاده شد. اما عده ای معلوم الحال و مطیع!! بعد از شهادت پیامبر فرامین ایشان را به نحو شایسته اطاعت کردند!!

پس اصل وحی برای ارسال پیام الهی و قوانین شریعت به پیامبر و از آن طریق ابلاغ به مردم است و این وحی است که زوایای مبهم و غیر قابل دسترسی را برای مردم مشخص می نماید و مسائل سخت و احکام الهی را تبیین و تعیین می نماید پس لازم نیست به خاندان وحی که خود بنیانگذار و موسس دین با عظمت اسلام هستند مسئله ای را تذکر داد و هر آنچه را که خود نمی دانیم و یا نمی توانیم به ایشان نیز نسبت بدهیم و به ایشان اشکال نمائیم چرا که ایشان خود حلال مشکلات و فصل الخطاب عالم و هادی و راهنما و صراط مستقیم و عدل الهی هستند.

امام باید عالم به مسائل و توانا در مدیریت باشد

پیروان مکتب اهل بیت، لطف الهی را چنین تعریف نموده اند که "لطف عبارتست از چیزی که بنده را به طاعت خدای متعال ترغیب، تشویق و نزدیک کند و او را از معاصی، بدیها و رذائل دور نماید و مانند چراغی راه را از چاه بازشناساند این معنی تنها در امامت حاصل می شود. زیرا که برای تقرب به خدا و دوری از پلیدیها احتیاج به شناخت صحیح از مسیر سلوک، اسباب و ابزار موردنیاز، شناخت موانع و نهایتاً رسیدن به قرب و رضای الهی است.

طی این مرحله بی همراهی خضر مکن ظلمات است بترس از خطر تنهائی

و لذا هر شخصی نمی تواند داعیه رهبری و زعامت انسانها را داشته باشد و قدم گذاردن در این راه بدون شناخت راه و موانع و نداشتن اسباب موردنیاز کاری نامعقول و دور از شان بوده و همچنین افرادی که به دنبال چنین فردی قدم برمیدارند خود را بی گمان به ورطه هلاکت می اندازند.

پس فردی می خواهد که سختیها را بشناسد و قواعد سیاسی را تجربه و ارتباطات انسانها و جوامع و آداب و رسوم آنها را دانسته باشد، خیر و شر و صلاح و سداد امور را بداند. چنین فردی کاملاً آگاه است که هرگاه مردم رهبری اطاعت پذیر داشته باشند که آنها را راهنمایی و ارشاد نموده و ظالم را از ظلم و تجاوز گری باز بدارد و حق مظلومین را از ظالمین بگیرد و در عین حال ایشان را به قواعد عقل و احکام دین و وظایف خود آشنا و وادار کند و از مفاسدی که موجب فساد در نظام زندگی است و باعث ضلالت و گمراهی در دنیا و خسران و عذاب در آخرت محسوب می شود باز دارد. در این حالت مردم از پاداش و اجر اعمال صالح و انجام تکالیف شرعی و انسانی خود مسرور و تشویق می شوند و از مواخذه و جزا و عقوبت طغیان و عناد و

جهالت خود بیم داشته و از آن حذر می کنند. پس چنین فردی با اینچنین علمی و بینش وسیع و احاطه به محیط و جامعه خود می تواند انسانها را درک نموده و درد آنها را شناخته و به درمان روح و جسم ایشان پردازد و این شخص کسی نیست جز امام

پس امام ناچاراً باید منصوب از ناحیه خدای متعال باشد. زیرا انسانها خود قادر به تشخیص چنین فردی نمی توانند باشند و هیچ محاطی نمی تواند محیط باشد یعنی هیچ انسانی که علومش کامل نیست و روابط عوالم را نمی داند و قادر به تشخیص ارتباط بین انسانها نبوده و قدرتش بسیار ناچیز است نمی تواند مرتبه بالاتر از خود را بسنجد و بشناسد و لذا این فرد و اتصال بین قوی و ضعیف و ارتباط و اتصال بین خالق و مخلوق، بین رب و مربوب کسی نمی تواند باشد جز کسی که از سوی خدای متعال معرفی شده و بدست حضرت حق تربیت شده و مورد خطاب واقع گردیده.

اگر یک فردی که معصوم نیست و در تمام معادلات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... یا یکی از آنها دچار اشتباه و لغزش شود. سایر معادلات و روابط نیز که چونان حلقه های منسجم به هم پیوند خورده اند نیز به هم می خورد و جامعه دچار اضمحلال و سردرگمی می شود.

انسان غیر معصوم که خود نیاز به مشورت و ارشاد دارد چگونه می تواند رهبری نماید پس لازم می آید کسی دیگر او را مواظبت و مشاوره نماید تا دچار خطا نگردد و از طرفی دیگر اینکه اگر امام مرتکب معصیت شود و خود دچار اشتباه و خطا در تصمیم گیریها شود. جامعه در قبال چنین فردی دو راه بیشتر ندارد و باید یکی را انتخاب نماید. یا اینکه منکر عمل و گفتار نادرست و ناصواب ایشان شده و در مقابل قول و فعل ناصحیح ایشان موضع بگیرند که با این

کار شخصیت چنین امامی متزلزل و دچار مشکلات بعدی می‌گردد و این انتخاب که از سوی خودشان بوده بی‌فایده و ثمر خواهد بود و یا اینکه مردم از عیوب چنین رهبر و امامی چشم‌پوشی کرده و عیوب و خطاهای ایشان را مستور نمایند که اینجا حکم وجدان و فطرت و در نهایت امر حق تعالی نادیده گرفته می‌شود یعنی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه رخت‌برسته و دیگر احقاق حق نمی‌شود زیرا با تصمیمات نابجا و ناکارآمد حاکم و امام چه بسا ظلمهائی که به جامعه روا می‌شود و بسیاری از مستحقین از حق خود محروم می‌شوند و این نیز ممکن نمی‌باشد.

پس به این نتیجه می‌رسیم که امام حتماً باید از سوی خداوند متعال یا از جانب پیامبر خدا به این مقام نائل گردد و ایشان بایستی معصوم و از هر خطا و عیبی مبرا باشند تا احکام خدا و دین و شریعت خداوند پابرجا و محفوظ از هر زیادت و نقصانی باشد. مقام امامت را که خداوند بوسیله پیامبر به امام اعلام می‌دارد حتماً او را نیز از علوم غیبی و امور عالم هستی و حقایق موجود آگاه نموده و خداوند به باطن چنین شخصی بیناست و او را مورد ابتلاء و امتحان قرار داده و بعد از آن ایشان را به چنین مقامی نائل میگرداند.

در زیارت حضرت زهرا سلام الله علیها می‌خوانیم.

السلام علیک یا ممتحنه امتحنک الذی خلقک فوجدک لما امتحنک صابره

سلام بر تو باد ای آزموده نزد خدائی که ترا آفرید و ترا در آنچه آزموده صابر یافت پس مقامی که خداوند به بعضی افراد می‌دهد با آزمودن و امتحان همراه است که اگر چنین نباشد از حکمت خداوند بدور است.

و لقد عهدنا الی آدم من قبل فنسی و لم نجد له عزما

و همانا با آدم عهد بستیم و در آن عهد او را استوار و ثابت قدم نیافتیم. طه - ۱۱۵

پس عهد خداوند به بعضی افراد می رسد و این مقام در شان انسانهای مقاوم و متشرع و

معصوم است و پایبند به ارزشها و احکام الهی و مقید به عقاید حقه حضرت حق جل شانته

و اذابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتهمن قال انی جاعلک للناس اماماً قال و

من ذریتی قال لاینال عهدی الظالمین . بقره - ۱۲۴

و به یاد آور هنگامی که خداوند ابراهیم را به اموری چند امتحان فرمود و او همه را به

جای آورد خدا به او گفت : من تو را به امامت خلق برگزیدم. عرض کرد: این پیشوائی را به

فرزندان من نیز عطا می فرمائی . حضرت حق فرمود : عهد من هرگز به ستمکاران نخواهد رسید.

و در جایی دیگر خداوند انسانهایی که می گویند ایمان آورده اند را خطاب قرار داده و می فرماید.

احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا امنا و هم لایفتنون عنکبوت - ۲

آیا مردم چنین پنداشتند که به صرف اینکه گفتند ما ایمان آورده ایم رهایشان کنند و بر

این مدعی هیچ امتحانشان نکنند.

پس خداوند انسانها را به انحاء مختلف امتحان نموده و هر کس را مطابق ظرفیت و

قابلیت و عقایدش عنایت می نماید. پس امام نمی تواند در یک بعد قوی و در بعدی دیگر ضعیف

باشد امام و رهبر جامعه باید از تمام ابعاد وجودی دارای کمال و نسبت به تمام افراد مشفق و مریی

و راهنمای دلسوزی برای افراد بشر باشد و از هرگونه خدمت و امدادی که می تواند به جامعه

برساند دریغ نوزد.

و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و

الثمرات

و البته شما را به گونه هایی از ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازماییم.

خداوند متعال است که به گونه های مختلف انبیاء و اولیای خود را در ظاهر و باطن به مال و گرسنگی و ترس و جهاد و فوت و ... می آزماید و اوست که آنها را بر می گزیند و بر خلق منت می نهد و تربیت یافتگان مکتب خویش را بسوی آنها گسیل می دارد. چه کسی می تواند فردی را با خصوصیات ذکر شده معرفی کند و به کنه باطن او پی برد و حقانیت و صداقت و صفا و دلسوزی و مهربانی را در حق امت در وجود او کاملاً اثبات شده انگارد و هرگونه خطا و معصیتی را از او مبرا بداند؟ اگر چنین شخصی با چنین وسعت و بینشی باشد که بتواند کنه ذات افراد شناسایی نماید و به اسرار وجودی ایشان دست یابد خود بهتر می تواند رهبری کند تا اینکه کسی را به رهبری انتخاب کند!!

بر همین اساس مکتب شیعه اثنی عشری تنها نص صریح احادیث نبوی و سایر ائمه را مبنی بر امامت ایشان قبول داشته و بر این مهم تاکید دارد و راه دیگری را نیز نه صحیح می داند و نه امکان بودنش را می دهد.

اطاعت امام ، شرط قبولی طاعات

ثابت شد که انسان به جهت شناخت و پرستش معبود و گام نهادن در مسیر عبودیت و رسیدن به سعادت باید امام معصوم را که به اذن حق و با معرفی پیامبر یا امام قبل از خود شده برای صرف نجات خود اطاعت نماید و ولایتش را پذیرد و فرامینش که همگی عین دستورات خداوند می باشد را اطاعت نماید. در غیر اینصورت مسیر را اشتباه طی کرده و به قطع و یقین دچار ضلالت می شود. لذا چاره ای جز گزینش امام معصوم و حجت حق تعالی از سایر انسانهای خود کامه سلطنت طلب برای نجات نیست و شرط قبولی طاعات و اجر بر اعمال تائید آنها ابراز محبت و ارادت داشتن به نماینده و حبیب خدا و اولی الامر می باشد. حضرت امام صادق (ع) در نامه ای به مفضل بن عمر اینطور مرقوم فرمودند:

هر کس که نماز به پای دارد و زکات مالش را پرداخت نماید و حج بجای آورد و عمره بگذارد و تمامی این اعمال را بدون معرفت امامی که پروردگار متعال اطاعتش را واجب فرموده ، انجام دهد گوئی اینکه چیزی را انجام نداده است ... چرا که قبولی تمامی اینها منوط به معرفت مردی است که از جانب پروردگار عالمیان بر آفریدگان منصوب شده تا جمله فرمان وی را برند و دین را از او دریافت دارند. پس هر کس آن امام را بشناسد و دینش را از وی بگیرد فرمان الهی را برده است.

بحار الانوار ج ۲۷

سخن امام صادق (ع) اهمیت شناخت و معرفت امام را لازم و ضروری و رکن و پایه اصلی معرفت کردگار و اطاعت از او می داند و این یک رابطه مستقیم و بدون قید و مستقل می باشد که سایر اعمال در گرو این عمل است.

از فضیل روایت شده که گفت امام محمد باقر (ع) فرمود: هر کس بمیرد و او را امامی نباشد به مرگ جاهلیت مرده است و مردم عذری ندارند، مگر آنکه امامشان را بشناسند و هر کس بمیرد و امامش را بشناسد، مقدم شدن امر ظهور و یا تاخیرش وی را زیانی نمی رساند و هر کس بمیرد در حالی که امامش را بشناسد مانند کسی است که با قائم در خیمه و خرگاهش باشد. لازم به توضیح است که منظور از جاهلیت (کفر، فسوق و ...) است. بحار الانوار ج ۲۳

انسان مبادا نسبت به مقام عظیم معنوی حضرات ائمه بی تفاوت و نسبت به تکالیف خود در زمان غیبت و حضورشان بی قید باشد که این از مصیبت‌های عظمی بشر است و اینکه با تکیه به عقل و علم ناچیز خود در این مسیر قدم برداشته و جهل مرکب و خواب غفلت او را فرا گرفته و از سر غرور و جهل، خر شیطانی خود را براند که مطمئناً به وادی فنا و نیستی حرکت می کند. که این فرد را باید متوجه نمود و بیدار کرد که این راه باید با امام تعیین شود.

طلب المعارف من غیر طریقنا اهل البیت مساوق لانکارنا و قد اقامنی الله

و انا حجه بن الحسن

جستجوی معارف جز از راه ما خاندان پیامبر، مانند انکار نمودن ماست و خداوند امروز

مرا بر پا داشته و من حجت خدا پسر حضرت عسگری (ع) هستم.

ظلمات است بترس از خطر تنهایی طی این مرحله بی مهری خضر مکن

حضرت حق جل جلاله در شب معراج و مجلس انس با بنده خوب خود و خلوت حبیب

و محبوب در ليله اسرار خطاب به او چنین فرمود: ای محمد (ص)! اگر بنده ای از بندگانم آن

قدر مرا عبادت نماید که از شدت و کثرت آن بمیرد، ولی در حالی به لقای من برسد که منکر

ولایت اهل بیت تو (امیرالمومنین (ع) و فرزندان) باشد او را به آتش خویش داخل خواهم کرد.

شناخت، تصدیق و اقتدا به امام الهی به عنوان بنیادی ترین پایه دین نبوی از جانب پروردگار حکیم وضع گردیده و انحراف از مسیر معرفت حجت الهی در هر دوران، سرآغاز گام نهادن در وادی ظلمت و انحراف از مسیر حق و حقیقت می باشد.

❖ **عن سلیم بن قیس الهلالی، عن امیرالمومنین : قال "قلت له ، ما ادنی ما یكون به الرجل ضالاً؟ قال ان لا یعرف من امرالله بطاعته و فرض ولایتہ و جعله حجه فی ارضه و شاهده علی خلقه ، قلت : فمن هم یا امیرالمومنین؟ فقال : الذین قرنهم الله بنفسه و نبیه فقال "یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم" قال : فقبلت راسه و قلت : او ضحت لی و فرجت عنی و اذهبت کل شک کان فی قلبی :**

از سلیم بن قیس هلالی از امیرالمومنان روایت شده که سلیم به حضرت عرض کرد: نزدیکتر امری که سبب گمراهی آدمیان می گردد چیست؟ حضرت فرمودند: اینکه کسانی را نشناسند که حق تعالی فرمان به فرمانبرداری از آنان داده و ولایتشان را واجب نموده و آنها را به عنوان حجت بر روی زمین و شاهی بر آفریدگان قرار داده. سلیم گوید: عرضه داشتم: ای امیرمومنان اینان چه کسانی هستند؟ فرمود: اینان همانانی هستند که پروردگار سبحان آنان را قرین نفس خود و رسولش قرار داده است. آنگاه این آیه را تلاوت فرمودند: "ای کسانی که ایمان آورده اید معبود تعالی و رسول و صاحبان او را فرمان برید" سلیم گوید: در این هنگام سر مبارک حضرت را بوسیدم و گفتم برایم روشن نمودی و گشایشی برایم حاصل فرمودی و هرگونه شک و ریبی را از قلبم زدودی.

حضرت حق اتمام و اکمال دین خود را منوط و مشروط به تمسک به امامت ولی و اطاعت از حجتش نموده است. و باب هدایت را خود تعیین نموده و به روی بندگان می گشاید و شرط تحقق اطاعت و قبول اعمال را از طریق ورود بر باب معرفت و ولایت امام الهی دانسته است.

بحار الانوار ج ۲۷

دانشمندی از دانشمندان بنی اسرائیل معبود خود را آنچنان عبادت کرد که چون چوب خلال لاغر و نحیف شد پس پروردگار باقر و شکوه به پیامبر زمانش وحی فرمود به او بگو: به شکوه و جلال و جبروتم سوگند اگر تو مرا چنان بندگی کنی که بسان دنبه در دیگ جوشان ذوب شوی، عبادتت را نمی پذیرم مگر اینکه از بابی که تو را بدان امر کرده ام وارد شوی.

اکنون در این دنیای هرج و مرج که انسانیت و شرافت از آن رخت بر بسته و ظلم و جور و پول پرستی و شهوترانی و مادیات جایگزین، خدامحوری و شخصیت والای انسان گردیده چه کسی باید تغییر دهد وضع کنونی را؟

آیا اصلاً امکان تغییر و تحول در این دنیای با این وسعت و پیشرفت و ... وجود دارد آیا انسانها خود سهمی در تحول فکری و رجوع به عقاید با ارزش معنوی و دینی را در عین پیشرفت و صنعت دارند یا خیر؟

از سوال آخر شروع می کنیم که مسلماً تک تک افراد جامعه در قبال خود، خانواده و جامعه ای که در آن زندگی می کنند مسئولیت دارند و از هر آنچه که می توانند در راه پیشبرد اهداف معنوی استفاده کنند دریغ بورزند و کوتاهی نمایند باید در محکمه وجدان خود محاکمه شوند. داستان معروف آن کشتی و سرنشینان آن که یک نفر می خواست زیر پای خود را سوراخ کند و دیگران به او اعتراض نمودند. او در جواب گفت بنده زیر پای خود را سوراخ می کنم و

کاری به دیگران ندارد. اگر این فرد به کار خود ادامه دهد و کسی او را از این عمل نهی ننماید مسلماً همه غرق خواهند شد.

جامعه اگر رو به انحراف و بی بندوباری پیش رود همه مسئول هستند. پس انسانها خود باید به فکر مهار و کنترل صفات رذیله و رشد و حرکت بسمت تعالی و پیشرفت باشند.

و اما سوال دوم که آیا امکان تغییر و تحول این جامعه وجود دارد یا خیر؟ مسلماً هر امری برای اجرا و تغییر و تبدیل و استقرار آن نیاز به زحمت، تلاش مستمر بوده و لازم است هماهنگی و وحدت رویه در آن داشته باشیم و این نیست مگر در سایه انسانی پاک، معصوم و عاری از هرگونه خطا و معصیت و با قابلیت و اینکه انسانها نیز خود خواستار چنین تحول فکری و انقلاب درونی باشند. پس دو عامل یکی امامت و رهبری و دوم خواست و میل درونی و باطنی افراد آن جامعه باعث می شود که انسانها راه ترقی و پیشرفت را پیش گیرند و به سوی جامعه آرمانی و ایده آل که سرتاسر آن عدالت سیطره دارد و تبعیض و فقر در آن ریشه کن شده حرکت کنند.

و اما جواب سوالی که چه کسی باید رهبری این تغییر و تحول در وضع کنونی را برعهده داشته باشد و عدالت را اقامه نماید و ظلم و تعدی و لشکریان فساد را منکوب نماید قبلاً ذکر گردید ولی از باب تاکید بر مطالب پیشین چند نکته در باب روایات و احادیث ضروری به نظر می رسد. در زیارت مطلقه امام حسین در قسمتی از دعا می خوانیم.

**یا ابا عبدالله اشهد انک کنت نوراً فی الاصلاب الشامخه و الارحام
المطهره لم تنجسک الجاهلیه بانجاسها و لم تلبسک من مدلهمات ثیابها**

شهادت می‌دهم که شما در اصلاّب عالی و پاک پدران و ارحام مطهر مادران نور پاک الهی بودید و هرگز مقام توحید کامل شما آلوده به ناپاکیهای جاهلیت نگردید و غباری از شرکهای عصر شرک و جهالت بر دامن شما ننشست.

پس انسان کامل و شخص معصوم که از هرگونه پلیدی در عین اختیار به دور مانده و از گزندها و آفتها و خطاها مصون باشد و هدفی جز هدایت عالم هستی به سمت یکتا معبود هستی را نداشته باشد وهم و غم ایشان دستگیری و ارشاد انسانها بسوی خدا متعال است می‌تواند زعامت این انقلاب جهانی و تحول درونی را برعهده بگیرد.

زمین هیچگاه بدون امام نمی باشد

اللهم بلی لاتخلو الارض من قائم لله بحجه اما ظاهراً مشهوراً او خائفاً مغموراً ، لئلا تبطل حجج الله و بیناته

نهج البلاغه - قصار ۱۴۷

آری به خدا سوگند صفحه زمین هرگز از رهبری که با حجت الهی قیام کند خالی نمی شود خواه ظاهر و آشکار باشد یا (بر اثر نداشتن پیروان کافی) ترسان و پنهان، تا نشانه های الهی و دلائل فرمان او از میان نرود.

وقتی خداوند انسانها را به اموری تکلیف نمود و امر کرد و از اموری نهی نمود و در قبال انجام یا عدم انجام آن پاداش و جزا مقرر نمود در این بین نیز امام و رهبری را به مردم معرفی نمود تا که امور صحیح و حلال و خیر را از امور ناصحیح و حرام و شر به مردم معرفی نموده و تکالیف آنها را متذکر گردد و آنها را در راه رسیدن به لقاء و قرب الهی یاری نماید و افتادگان این مسیر را دستگیری نموده و منحرفین این راه را به جاده صحیح بندگی و طاعت خداوند هدایت و راهنمایی نماید.

انسانها با دیدن چهره امام و رفتار و کردار و منش او نور خدا و حقیقت را مشاهده نموده و یک الگوی عملی و تجسم عینی از یک زندگی تحت برنامه دین را برای خود انتخاب می نمایند و به این واسطه مشکلات و سختیهای زندگی برایشان سهل و آسان می گردد و در تمامی شئون خود به ائمه اطهار تاسی جسته لذا همیشه در مقابل مشکلات استقامت می ورزد و تنها به خدا توکل کرده و به جهت خشنودی او تلاش می نماید.

از طرف دیگر دنیا بواسطه خاصیت و جنس و ذاتی که دارد دار مشکلات و سختیها بوده و زندگی فرد فرد انسانها با این موانع و گرفتاریها رو به روست و تنها کسانی توانسته اند از این

موانع فرصت بسازند که با مدیریتی صحیح و با توکل بر خدا به دستورات و رهنمودهای ائمه و انبیاء عمل نموده اند.

زمین بدون امام مانند کشتی بدون ناخدا است، چگونه یک کشتی در امواج سهمگین طوفانها و تندبادهای دریا دچار بحران شده و هر لحظه امکان غرق شدن آن می باشد و اگر ناخدا و سکانداری توانا و با تجربه و آشنا به حوادث دریا نباشد و طرز مقابله با آنها را نداند و در این لحظات حساس و بحرانی نتواند بهترین تصمیم را در کوتاهترین زمان بگیرد مسلماً جان تمامی افراد داخل کشتی به خطر می افتد. وجود امام نیز در عالم همینگونه است و کشتی بیکران عالم هستی نیز نیاز به یک سکاندار و هادی و ناخدا دارد که انسانها را در موقع حساس یاری نموده و در لحظات پرخطر و فراز و نشیب زندگی ایشان را امداد رساند.

امام باقر (ع) می فرماید: چنانچه امام از زمین برگرفته شود زمین با اهلش مضطرب می گردد چنانکه دریا.

پس وجود امام باعث تشخیص راه و پیمودن آن و دسترسی راحت به هدف می باشد و موانع و خطرات این مسیر را نیز برای انسان بازگو می نماید.

انسانهای خودکامه و هوسران برای دستیابی به اهداف دنیائی خود و سیطره بر جان و مال و ناموس دیگران و ارضاء امیال خود دست به جنایاتی در طول تاریخ زده اند که برای توجیه اعمال زشت و ننگین خود فطرت سائرین را تحریک و اغوا نموده و با زیبا جلوه دادن زشتیها و پست و بی ارزش نمودن حقایق و با توسل به تاویل و تفسیر دین و حقایق عالم راه تعدی و ظلم خود را هموار نموده اند و عقاید و افکار انسانها را دستبرد زده و بدین وسیله چند صباحی را جولان داده اند اما احکام معصوم و برگزیده خداوند متعال، چشم بینای عالم و این حافظ با تدبیر شریعت و

مجری احکام الهی، مهتاب شبهای تاریک ظلمت و فانوس بیابانهای جهل و عصیبت همیشه مانند چراغ فروزانی پرتوافشانی نموده و مانند شمعی تا به سحر سوخته تا حق جویان و پویندگان راه حقیقت، در این وادی به بیراهه نروند و سودجویان و دنیاپرستان نیز این را اسباب خود کامگی و زراندوزی قرار ندهند و قدرت طلبان و چپاولگران دین را نردبان تلقی خود قرار ندهند، این امام بوده که همیشه نقشه های شیطانی، شیطان پرستان را نقش بر آب نموده و انسانها را از مکر و حيله آنها آگاه نموده اند. این افراد با جعل قوانین الهی و صحبت انبیاء و اولیاء خدا سعی بر پرده پوشی و ستر عیوب خود داشته اند که این نیز بواسطه ائمه ناکام مانده است.

امام صادق (ع) می فرماید:



ان الارض لاتخلو الا و فیها امام، کيما ان زاد المومنین شیئاً ردهم و ان

اصول کافی جلد ۱

نقصوا شیئاً ائمه لهم

همانا زمین در هیچ حالی از امام خالی نگردد برای آنکه اگر مومنین چیزی (در اصول یا

فروع دین) افزودند آنها را برگرداند و اگر چیزی کم کردند برای آنها تکمیل نماید.

مومنین نیز از این قاعده مستثنی نیستند که ممکن است بر اثر اهمال و یا کوتاهی در امور و

یا بواسطه نسیان و عدم دقت موجب تصرفاتی در امور تشریعی شوند که این کوتاهی و قصور را

نیز امام زمان گوشزد نموده و جبران می نماید.

پس وظیفه دیگر امام حفاظت از دین الهی و تفسیر و تاویل واقعی آن برای مردم و نهایتاً

تامین آتیه ای خوش و با صفا برای انسانها در سایه عمل به دستورات

الهی می باشد و بر همین اساس وجود امام در هر زمان و مکانی لازم است و لذا هیچگاه

زمان و مکان بدون امام نمی باشد و در قرآن نیز به این نکته اشاره شده:

انا نزلنا الذکر و انا نحن لحافظون

خداوند متعال به واسطه حجت خود در زمین سبب محافظت دین خود شده و از جعل و

انحراف و به انحطاط کشیده شدن آن جلوگیری می نماید.

یکی دیگر از دلایل وجود امام و حضور ایشان در زمین، تبیین و تعیین نمودن حلال و

حرام الهی و دعوت مردم به خداوند متعال می باشد، امام صادق (ع) می فرماید:

ما زالت الارض الا ولله فيها الحجه يعرف الحلال والحرام و يدعو الناس الى

سبيل الله

زمین از حالی به حالی نگردد جز آنکه برای خدا در آن حجتی باشد که حلال و حرام را به مردم

بفهماند و ایشانرا براه خدا بخواند.

اگر امام معصوم و برگزیده خداوند در زمین نباشد انسانها به تنهایی قادر به تشخیص

صلاح و سداد خویش نمی باشند و شر و خیر واقعی را نمی دانند و بدنبال اوامر و خواهش نفس

می باشند و بعضاً آنقدر غرق ظواهر می شوند که از باطن امر و عاقبت آن غفلت می ورزند و لذائذ

زودگذر را بر آرامش ابدی ترجیح می دهند و بدین سبب حلال و حرام خدا تحت تاثیر

خواهشهای نفس قرار گرفته و معاصی رواج می یابد و اینجاست که امام آن شمشیر برنده و آن

انسان قاطع با صراحت حکم واقعی و دقیق را ارائه می دهد و بیان می نماید و حلال و حرام خدا را

مرزبندی نموده و با کمال شجاعت و شهامت از آن حمایت و دفاع می کند.

دلیل دیگر بر وجود حجت خدا در زمین این است که اگر امام معصوم نباشد تشخیص

حق از باطل بسیار کاری دشوار و صعب است و در

اغلب مواقع این امور جایگزین هم میشوند و بواسطه شیاطین خودپرست و دنیا طلب همیشه حق را باطل و باطل را حق جلوه می دهند، ارزشها را بی ارزش و فاقد اعتبار دانسته و پستی و لاابالی گری و بی هویتی و بی ارزشی را ارزش تلقی نموده و با این وسیله خود را تثبیت و تحکیم و توجیه می نماید. اینجاست که امام با عمل و بیان خویش حقایق را بیان می نماید و آنرا تشریح می کند.

قال الباقر (ع) او قال الصادق (ع) :

ان الله لم يدع الارض بغير عالم و لولا ذلك لم يعرف الحق من الباطل

خدا زمین را بدون عالم وا نگذارد و اگر چنین نمی کرد، حق از باطل تشخیص داده نمی شد.

اهمیت شناخت حضرت مهدی (عج)

شناخت و معرفت نسبت به امام و درک جایگاه امامت که جزء اصول حقه دین مبین اسلام است مانند سایر واجبات، واجب و رأس امور است چرا که با شناخت امام و تفکر در این باب بسیاری از حقایق شگرف عالم هستی و مسایل لاینحل اطراف ما بوسیله شناخت امام معصوم که رابط بین عالم غیب و عالم شهادت است حل می گردد.

و اسرار و حقایق عالم هستی با اطاعت از امام واجب الطاعه مکشوف می شود چون ایشان واسطه فیض رحمت الهی هستند.

قال الصادق (ع):

نحن السبب بینکم و بین الله عزوجل

بحارالانوار ج ۲۳

پس وقتی که انسان امام را شناخت مسلماً خدا را بهتر درک خواهد نمود و با چشم دل که بواسطه نور اهل بیت و عمل به فرامینشان منور شده خدا را خواهد دید.

اما انسانی که به گمان اینکه می تواند راه را از چاه تشخیص دهد و با اطلاعات بسیار محدود و با عقلی که دچار خطا و گمانه های اشتباه می شود بخواهد بر عالم هستی مشرف گردد و جایگاه امام را کم اهمیت دانسته و برای امام ارزشی قائل نباشد مسلماً به انحراف کشیده شده و نابود می شود دقیقاً نقطه مقابل که رستگاری و پیروزی است و آن بوسیله امام محقق می شود و با نظر به افکار و ایده سایر مکاتب و فرقه ها که چه تعاریف کودکانه و نابخردانه از توحید و عدل و معاد و نبوت نموده اند به این موضوع می توان پی برد.

قال الرسول الله :

من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهليه

رسول خدا (ص) عدم معرفت به امام زمان (عج) را در ردیف شرک و الحاد خوانده اند لذا انسان وقتی امام را نشناخت ، راه را گم کرده و به بیراهه رفته و از مطلوب خود که سعادت و پیروزی بود دور می شود.

وقتی که انسان از امام و افکار امام و دستورالعملهای امام دور شد افراط و تفریط در زندگی و امور آغاز شده و دچار انحرافات مختلفی می گردد و بنای لجاجت و عناد را با معصومین گذارده و انتقاد و شبه و تهمت را به ساحت مقدس ایشان روا می دارد و از هر جسارتی کوتاهی نمی کند و کسی که دچار بحران اخلاقی و روحی شده و برای پیشبرد اهداف خود دست به هر اقدامی بزند و به ساحت انسان کامل، امام معصوم به راحتی جسارت نماید چگونه می خواهد عادلانه با قضایا برخورد کند که این منش عین بی عدالتی و ظلم است . پس هر که خدا را می خواهد و در آرزوی لقاء الله است باید امام زمان خود را بشناسد

من اراد الله بدا بكم

زیارت جامعه کبیره

کسی که طالب معارف و تشنه حقایق است جز خاندان وحی را راهنمایی نمی تواند باشد و اطاعت و بندگی خدا در شناخت اهل بیت و اطاعت از آنها و توسل به آنها است که آنها واسطه فیض و رحمت بی منتهی الهی هستند .

حضرت صادق (ع) می فرماید :

بنا عبدالله و بنا اعرف الله و بنا وحد الله و محمد حجاب الله

کوچکترین وسیله گمراهی

حضرت امیرالمومنین (ع) در ضمن حدیثی می فرمایند: کوچکترین چیزی که بنده خدا به واسطه آن گمراه می شود آن است که حجت خداوند تبارک و تعالی را نشناسد و به گواه و شاهد بودن او به بندگانش معرفت پیدا نکند آن حجت و گواهی که خداوند بندگان خود را به اطاعت از او نموده است و ولایت او را بر بندگان لازم و واجب شمرده است.

سلیم گوید: گفتم: ای امیرمومنان آن حجت و گواه را برای من توصیف کن. حضرت فرمود: حجت خدا و ولی خدا بر بندگانش آن کسانی هستند که خداوند آنان را با خودش و پیغمبرش قرین شمرده و با هم یاد کرده است و فرموده

يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولى الامر منكم

سلیم می گوید: عرض کردم خدای مرا فدای تو گرداند این مطلب را برای من توضیح ده و روشن کن حضرت فرمود: اولی الامر و حجت‌های الهیه کسانی هستند که رسول خدا در مواقع بسیاری و نیز در آخرین خطبه خود که در روز رحلت انشاء فرمود از آنان یاد کرده و مردم را به پیروی از آنان توصیه نموده است آنجا که گفته است: من در میان شما دو امر را به جای می گذارم که پس از من اگر بدانها متمسک گردید ابداً گمراه نخواهید شد یکی کتاب خدا و دیگری عترت من که اهل بیت من هستند.

اللهم عرفنى نفسك فانك ان لم تعرفنى نفسك لم اعرف نبيك، اللهم عرفنى رسولك فانك ان لم تعرفنى رسولك لم اعرف حجتك، اللهم عرفنى حجتك فانك ان لم تعرفنى حجتك ضللت عن ديني

بحار الانوار ج ۹۵

فرق ضاله و مکاتب انحرافی

قال الصادق (ع) :

❖ **اذا قام القائم جاء بامر جدید کما دعا رسول الله فی بد و الاسلام الی امر جدید**
بحار الانوار ج ۵۲

وقتی که حضرت قائم (ع) قیام نماید چیز جدیدی می آورد، چنانچه در بدو اسلام رسول

خدا (ص) مردم را به سوی امر جدیدی فرا می خواندند.

زمانیکه خورشید عالم تاب و فروزان نبوت از عالم خاکی افول و در شرق آسمان

افلاکیان و عالم امر و شهود طلوع نمود، باب علم نبوی و مخزن اسرار و علوم حضرتش ،

اباالحسین ، شمس مشارق و مغارب امیرالمومنین (ع)، قرآن ناطق، آیات قرآن را تنظیم و جمع

آوری و به مردم عصر خویش عرضه نمودند ولی آن بی لیاقتان و آن فرومایگان و دنیاپرستان بی

معرفت بجای عرض ادب و سپاسگزاری از محضر شریفش به نادانی و از روی نفهمی به ایشان

گفتند که ما را به قرآنی که تو داری نیازی نیست .

آن حضرت نیز آن قرآن را از دسترس مردم دور نگه داشته و سینه به سینه به فرزندان

برومندش منتقل نموده و الان در دستان مبارک حضرت بقیه الله موجود می باشد. با این مقدمه و با

توجه به عناد و بی توجهی و غفلت مردمان و کاهلی در امر دین و طولانی شدن امر غیبت، و

تاخت و تاز حکام جور بر بشریت و قتل بزرگان دین و سایر فتنی که بر پیکره دین وارد ساختند

زمینه بدعت در سنت پیامبر و احکام الهی برای خود کامگان دنیاپرست به سهولت فراهم شده و از

این فرصت جهت دسترسی به مطامع خود از هیچ تلاشی برای به انحراف کشیدن دین مبین اسلام

فروگذار نکرده اند .

تاریخ نمونه های بسیار از افراد و اقوام و طوایفی را که به گمان خود حق را برگزیده اند و آنقدر عقول آنها رشد کرده که بتوانند سره را از ناسره تشخیص داده و احکام الهی را تفسیر و اجرا نمایند را ذکر نموده و قرآن این کتاب سراسر پند و عبرت و دانش، عاقبت این امتها را متذکر شده است.

این افراد به سبب غرور و تسلیم نشدن در برابر مردان الهی و برگزیدگان حضرت حق و بواسطه جهل و عناد به بیراهه خزیده و راهی دیگر را گزیدند که همگی نیز به ذلت دچار گشته و محرومیت ابدی را از لذت جاویدان جنت الهی و جمال و سیرت اهل بیت را برگزیدند. البته امیدواریم انسانها این چشمه های حقیقت و این معادن الهی و این مشفقان و دلسوزان و معلمین صدیق بشر را شناخته و مطیع امر ایشان شده و طعم شیرین زندگی را در سایه اطاعت این بزرگواران بچشند و از خواب ذلت و غفلت بیدار گشته و از این کیش خودساختگی و این مسلک بی پایه و اساس انحرافی به سبیل نجات در آیند و گرنه فردا دیر خواهد بود.

ما به اختصار نام چند فرقه ای را از باب آشنائی بزرگواران نام برده و آنها را معرفی می کنیم و دوستان خود با صبر و تأمل و تعقل با احادیث اهل بیت و قرآن عظیم الشان منش آنها را مطابقت نمایند و ببیند عده ای ساده لوح چگونه بواسطه شرایط مختلف زندگی و فقر فکری و فرهنگی جامعه به دام دزدان طریق افتاده و گرفتار شدند.

(۱) فرقه کیسانیه: این فرقه امامت محمد بن حنفیه پسر امیرالمومنین را برگزیدند و معتقدند که او امام زمان و زنده است. این افراد با وجود اینکه در محضر حضرت رسول الله (ص) و امیرالمومنین (ع) بوده و آنحضرت را درک کرده اند ولی به علت تعصبات قومی، جهل و عناد و سایر علل دیگر تسلیم امر امام حسن مجتبی (ع) و

سایر اهل بیت نگردیده و این همه حدیث و روایت پیامبر اکرم و امیرالمومنین را نادیده گرفته و خود سرانه تصمیم گرفته و خود و سایرین را دچار انحراف نموده و مشکلات عدیده ای بر امت اسلام بوجود آوردند.

(۲) فرقه ناووسیه: این افراد معتقدند که حضرت امام صادق (ع) هنوز زنده است و او امام زمان است و شهادت حضرت را منکر شده اند.

(۳) فرقه واقفیه: این افراد حضرت امام موسی کاظم (ع) را امام زمان دانسته و به ائمه دیگر معتقد نمی باشند.

(۴) فرقه محمدیه: این افراد مطیع سید محمد فرزند بزرگوار امام هادی می باشند.

(۵) فرقه فطحیه: این افراد معتقد به امامت عبدالله پسر حضرت امام صادق (ع) هستند و سایر فرقی که دارای نظرات متعدد هستند که به حکم عقل باطل و ممتنع است و ما در اینجا فقط بذکر آنها پرداختیم اثبات بطلان این افراد و فرقه ها در جایی دیگر انشاء الله مفصل ذکر خواهد شد.

(۶) فرقه ضاله بهائیت: که در زمان حاضر ادعای مهدویت داشته و جیره خوار بیگانگان و مزدوران دین فروش و دشمنان سرسخت ولایت می باشند. عده ای معلوم الحال که با استفاده از سادگی و صداقت مردم زمان و مزین نمودن آمال شیطانی خود به احکام و قوانین الهی و آراستن خواسته های خود به لباس دین و نقاب زیبای اسلام را که بر چهره کریه خود زده و به توسط زر و زور استعمارگران و توطئه بی دینان و عده ای جیره خوار دنیاپرست که زرق و برق کالاهای رنگارنگ فرنگی چشم دل آنها را کور کرده و آواز و کوس بدمستی و خوشگذرانی گوش آنها را از شنیدن

حقایق کر کرده و برای گذران زندگی چند روزه دنیا، آخرت و دین خدا را به بهای اندک و ناچیز و متاع قلیل دنیا فروخته و عده ای از انسانهای ناآگاه را نیز به وادی ظلمت و گمراهی بردند و بدعتی نهادند که عذاب و لعن ابدی را برای خود فراهم نمودند. ما در اینجا به اختصار نگاه گذرانی بر سیر تحولات این فرقه می نمایم تا شرایط و علل انحراف این افراد درس عبرتی باشد و از سوئی دشمنان اهل بیت را نیز بشناسیم.

موسس اصلی این آیین جدید "سید علی محمد شیرازی" ملقب به (باب) با دعوی امام زمانی عده ای را به سوی خود کشیده، احکامی را صادر و قوانینی را پایه گذاری نمود که اندکی پس از او قسمتی از آنها توسط مریدانش نسخ شده و احکامی دیگر جایگزین آن شد و بین کیش ها و فرقه های دیگر، این فرقه بیشترین تغییرات و نزاع ها را در درون خود داشته است و در این میان بیشترین سود را کسانی بردند که سالها چشم طمع به ممالک اسلامی بخصوص ایران با منابع عظیمش دوخته و هر روز برای فریب و استعمار آن نقشه ها کشیده و با سیاست تفرقه اندازی و حکومت کردن می خواستند اتحاد مسلمانان را بر هم زده و تعادل دینی و معنوی را از بین برده و بر آنها مسلط شوند و این فرقه نیز با همان اهداف پی ریزی و ادامه یافت که روزی سر تعظیم به آغوش بی خدایان کمونیست و روز دیگر به دامن انگلستان آن استعمار پیر و یغماگر دوران و زمانی دیگر دست به سمت استکبار شیطان صفت یعنی آمریکا و وقتی نیز به سمت صهیونیسم دشمنان سرسخت اسلام دراز کرده و کمک و استمداد طلبیده و وسیله خوبی برای نا امنی در سرزمین شیعه و سود آوری برای صاحب سرمایه و زراندوزان دنیا بوده اند و نکته جالب اینجاست کسانی که خود را بنده خدا و پیرو مکتب الهی می نامند از دشمنان ادیان الهی برای پیشبرد اهداف

الهی خود استمداد می طلبند و احکام و قوانین الهی که توسط آخرین پیامبر خدا بر امت نازل شده بود را آنها با درایت و عقل خود تصحیح می کردند و به اصطلاح انسانها را به سیر الی الله دعوت می کردند!!

در تاریخ زرنندی احوال جناب باب را اینطور ترسیم کرده اند.

که حضرت باب اوقاتش را که در بوشهر بودند وقتی که هوا در نهایت درجه حرارت بود چند ساعت به بالای بام تشریف می بردند و به نماز مشغول بودند آفتاب در نهایت درجه حرارت بر او می تابید و لکن هیکل مبارک قلباً محبوب واقعی را متوجه بود. !!!

میرزا آقاخان کرمانی در کتاب هشت بهشت می نویسد:

در آن ایام تموز که در بوشهر آب در کوزه می جوشید، با کمال نزاکت تمام آن ایام را از بامداد تا شام آن بزرگوار (میرزا علی محمد) در بلندی بام ایستاده و در برابر آفتاب به زیارت عاشورا، ادعیه و مناجات و اوراد و اذکار مشغول بودند!!!

واقعاً یک انسان چقدر باید مودب و محجوب و با وقار باشد که مورد عنایت حق تعالی

واقع شود و نهایتاً نماینده خدا در زمین قرار گیرد!!

پس از این که سید علی محمد از کربلا به موطن بازگشت توسط نامه با شاگردان سید

کاظم دشتی تماس داشت و در یکی از سوره های کتاب تفسیر احسن القصص خود می نویسد:

خداوند تقدیر کرد که این کتاب در تفسیر احسن القصص از ناحیه محمد (امام زمان)

فرزند حسن فرزند محمد فرزند علی فرزند موسی فرزند جعفر فرزند محمد فرزند علی فرزند

حسین فرزند علی بن ابیطالب بیرون آمده به دست بنده اش (علی محمد) تا حجت خدا از طرف

"ذکر" به جهانیان ابلاغ گردد.

پس از مکاتبات و مراسلات هیجده نفر از شاگردان سید کاظم دشتی توسط ملاحسین بشرویه ای ملقب به (باب الباب) نیابت باب را پذیرفتند و ملقب به حروف (حی) شدند که به حساب ابجد معادل با عدد ۱۸ است و این در اولین مرحله ادعای سید علی محمد بر بابیت بود. سید علی محمد پس از ادعای بابیت ظاهراً عازم مکه شده و پس از بازگشت به بوشهر آمده و اولین حکم خود را صادر کرد.

در کتاب تلخیص تاریخ نبیل ترمذی چنین آمده

باب در مراجعت از مکه در بوشهر چند روزی اقامت کرد، دستوراتی به قدوس (محمد علی بابکی یکی از گروندگان باب) در رساله ای بنام خصایل سبعة داد که آنرا در شیراز برد که از جمله دستورات این بود: بر اهل ایمان واجب است در اذان نماز جمعه جمله اشهد ان علیاً قبل نبیل - که به حساب ابجد نبیل ۹۲ و محمد هم ۹۲ است - باب بقیه الله را اضافه کنند!

و آیتی در کتاب ظهور الحق می نویسد:

سید باب به عبدالخالق یزدی نوشت: انا القائم الذی کتتم بظهوره تنتظرون و این است سرنوشت کسانی که دست از دامان اهل بیت کشیده و خود را بی نیاز از ایشان دانسته و دست به اموری بزنند و ریاضاتی باطل و بی حاصل را تحمل کنند و به اصطلاح در پی مقامات کشف و شهود الهی برآیند و رهبری امت را بر عهده گرفته و نهایتاً داعیه امامت کنند و این افراد کسانی هستند که طبق آیه شریفه قرآن به جای هدایت به سمت خداوند متعال شیطان را مقصد خود دانسته و به سمت او حرکت کردند.

والذین کفرو اولیائهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

آداب و رسوم و اخلاق امت آخر الزمان از دیدگاه اهل بیت

حضرت خاتم الانبیاء و سیدالاروصیاء نبی اکرم و حضرت امیرالمومنین وصی بحق پیامبر رحمت و سایر حضرات معصومین در احادیث و روایات متعدد آخر الزمان و اهالی آنرا معرفی و پیش بینی احوال آنرا نموده و خطرهای آنرا گوش زد نموده و راهنمایی لازم را فرموده اند که ابتلاء شدن به آن خط گمراهی را در پی دارد و خسران ابدی گریبانگیر شخص می شود. از این باب انسان مومن و بصیر باید احادیث اهل بیت را آویزه گوش نموده که چون زنگ خطری در کوره راههای صعب زندگی سره را از ناسره تشخیص داده و طبق خشنودی خداوند متعال و موافق دستورات اهل بیت عمل کرده که خدای ناکرده مصداق اهل کفر و خوارج نهروان - مارقین و ناکثین و قاسطین نگردد. که در دعای زیارت جامعه می خوانیم.

فالرأغب عنکم مارق و اللآزم لکم لاحق و المقصر فی حکم زاهق

هر کس به طریق شما پشت کرد و از آداب شما روگردان شد از دین خدا خارج شده و هر کس همراه شما و مطابق امر شما عمل کرد به شما ملحق گشت (نجات یافت) و هر کس در حق شما مقصر گشت و در امر شما کوتاهی کرد باطل شد (محو و نابود گردید).

ای برادر باید مواظب گفتار، کردار و اعمال و نیات و افکار خود باشیم که مبادا دل مولا را به درد آوریم و در خواب غفلت بسر بریم و داعیه محبت وی را نیز داشته باشیم. از بین احادیث و روایات در چند مطلب مهم توقف می کنیم و در آنها تأمل، تا ببینیم که ما در چه حالی هستیم و پیرامون ما چه می گذرد و آیا مطابق است یا خیر اگر ما جز این گروه و دسته ها هستیم، باید فکری برای نجات خود بنمائیم والا اهل فرقه ضاله و گمراهی هستیم و در خواب غفلت.

(۲) کثرت میل افراد به اطوار و حالات کفار و مشرکین و کردار و معیشت و طرق زندگی دنیوی و میل به شباهت به ایشان در قیافه و شکل ظاهری و حرکات و سکنات و مساکن و البسه .

که متأسفانه ای جان برادر این مسئله بسیار مشهود و چشمگیر است زندگی عاری از دغدغه های انسانی و بی تفاوتی نسبت به درد دردمندان مشتی دنیاپرست شهوتران و بی توجهی به امور ضعفا و فقرای خویشاوند و همسایه و طرز لباس پوشیدن بعضی افراد دقیقاً به هیبت و شکل دشمنان دین خدا و اهل بیت و رفتار کردن دقیقاً مقابل و ضد فرمایشات خدا و اهل بیت و مطابق هوسها رفتار کردن و روش و منش دنیا خواهان را گزیدن

سیستم بانکداری، ساختمان سازیها، عدم رعایت روابط مردان و زنان، الگوپذیری از متد غربی، در لوازم و اثاثیه زندگی همه باید فرنگی باشد و ...

(۳) ضعف و سستی حال افراد در عبادت، تحصیل، کار، انجام امور خیر در سطح جامعه
 (۴) عدم تقید و پایبندی به آداب و احکام شریعت و اسلام: یعنی بعضی افراد از هر راهی و به هر صورتی که شده می خواهند ضعفهای ظاهر و باطن خود را مستور نمایند و لذا خود را به آب و آتش گناه و معصیت می زنند تا از این رهگذر زندگی چند روزه دنیا را خوشگذرانی نمایند غافل از اینکه چه عواقب سوئی در پیش رو دارند .

(۵) کثرت تردد کفار به سرزمینهای اسلامی و ایجاد پیوند عمیق و محبت بین مسلمانان و کفار و مشرکین: این حکایت از بی رنگ شدن تولی و تبیری که از ضروریات دین مبین است و آیه مقدس اسلام که می فرماید:

اشد علی الکفار ، رحماء بینهم

با این وضعیت ، چگونه بعضی از افراد دم از دوستی و مودت با مولا حضرت بقیه الله می زنند ولی دم خور بیگانگان هستند و مطیع اوامر ایشان و دنباله رو و تبعه کفار در همه امور حتی لباس پوشیدن می باشند. چگونه بعضی افراد در مجالس اهل بیت حاضر می شوند ولی آداب اروپائیان و آمریکائیان و فرهنگ آنان را با خود حمل می کنند و از محضر اهل بیت و مکتب فقه جعفری که سرتاسر ادب و احترام است دوری می کنند. چگونه نماز می خوانند، در ملک خدا راه می روند ، از نعمتهای خدا استفاده می کنند ولی اطاعت شیاطین جن و انس را می نمایند آیا این دور از انصاف نیست؟

ای برادر باید فکری کرد که راه باریک و تاریک است و هدف دور از دست باید که خود را نجات داد . باید سر از برف بیرون آورد و دوست و دشمن را تشخیص داد با شعار کار انجام نمی شود باید عمل نمود ولو به قیمت جان .

۶) ورود اسباب و اثاثیه کفار حتی به منازل که تمامی آنها تبلیغ کفر و الحاد و بی دینی و مروج مکاتب انحرافی بوده و باعث به یغما رفتن ثروت مسلمین و چپاول مسلمانان از طریق کالاهای شیک و گران قیمت و آهسته آهسته به سمت مصرفی شدن و راحت طلبی و تافته جدا بافته شدن و بی دینی و بی همتی را در قبال جامعه برگزیدن.

۷) تربیت و آموزش کودکان به آداب غیراسلامی تا جائیکه از نفوذ و رسوخ آداب دینی در ذهن و فکر کودکان خودداری می نمایند. الان مشاهده می کنید که بعضی

افراد در بعضی از ممالک اسلامی از ذکر نام خدا نیز حتی پرهیز می کنند و آنرا نوعی جهالت و بی سوادی و بعضاً کسر شان و شخصیت خود می دانند.

(۸) در دل بغض دین و آداب و مسلک و عداوت متدینین و علما و صالحین را که متادبند به آداب شریعت و منکرند به قلب و زبان معاشرت و مشابعت با کفار و مشرکین را دارند.

(۹) بر پیروان دین و مجریان آن نیش خند می زنند و مسخره می کنند و استهزاء می نمایند و اولیاء و محبین خدا و اهل بیت و کسانی را که در راه خدا قدم برمی دارند و اعمال صالحه که انجام می دهند را انسانهایی بی شعور و بی ادراک می دانند، گاه آنها را خشک مقدس می نامند.

(۱۰) ورد زبان آنها مدح و توصیف حکما و اهل صنایع (غریبی) می باشد و از کثرت عقل و هوش ایشان صحبت به میان آورده و زینت مجلس خود می کنند و این گویای آنست که مسلمانان را افرادی عقب مانده و بی فرهنگ می دانند و علمای حکمای دین را افرادی بی سواد می خوانند.

(۱۱) از مجالس علما گریزانند و هنگامی که صحبت علم و دین و ذکر معاد و یاد قیامت باشد ملول و منزجر و کسل و افسرده می شوند و اگر به اجبار به چنین مجالسی رفتند بخواب می روند.

(۱۲) رعایت حال فقرا و اهل دین را بی فایده و بی ثمر می دانند و در برابر آنها خود را فاقد مسئولیت داشته و از آنها گریزانند و بی قید و بند و بی تفاوت از مسائل و درد امت اسلام گذر می کنند.

۱۱۱ راه حرام اربزاق می حسد و خود را عی و معظم و لازم الاحترام می دانند.

۱۴ علما و اتقیاء را خورنده مال مردم و حلوائی و گدا و ذلیل می پندارند.

۱۵ باریشهای تراشیده به شکل و هیبت بنی مروان و بنی امیه در ملاء عام ظاهر می شوند.

۱۶ بدیها و عاملین آنها خوب جلوه می شوند و مورد احترام و تقدیر و تشکر واقع

می شوند و خوبیها و عاملین آنها بد و انسانهای ناهنجار و متعصب و ناموزون جلوه

داده می شوند.

۱۷ ریاست زنان بر امور جامعه و شرکت آنها در تجارت با شوهران خود

۱۸ مردان شبیه زنان و زنان به قیافه مردان در می آیند.

۱۹ پرداخت زکات را بیهوده تلقی کرده و آنرا ضرر به مال خود می دانند.

ای جان برادر این احوالات پیش نمی آید مگر برای انسانهای ضعیف نفس که با درهم و دیناری

ناچیز مورد تطمیع و ترغیب و تهدید واقع شده و از سرزنش شیاطین انس و جن می ترسند و از

اجرای احکام الهی سرباز می زنند و در منجلاب کثافت و گنداب دنیا دوستی گرفتار آمده و دین

و اهل بیت را رها نموده و بدنبال هوس خود رفته و نابود می شوند. باید محکم و سخت بر سر

احکام و عقاید حقه پافشاری کرد و از ترس ظالم و طنازی عشوه گران خود فروخته و تطمیع

زراندوزان و ترغیب جاه طلبان کوچکترین شک و شبهه ای در عقاید مبارک حقه خود راه نداد و

تا آخرین قطره خون ایستاد و در راه خدا جانفشانی نمود که سرای جاودان سرای باقی است و این

دنیا فانی چند روزه و گذران است. انشاء... که ما از یاوران راستین حضرت بوده و وظایف خود

را به نحو احسن در زمان غیبت آنحضرت به انجام برسانیم و با امید به رحمت واسعه حق و توسل

به حضرات ائمه معصومین آهسته آهسته احکام خدا را در زندگی خود به جریان انداخته و از سرزنش سرزنشگران باکی نداشته باشیم که انشاء... اندکی صبر سحر نزدیک است.

ابن مسعود از حضرت رسول اکرم (ص) نقل می کند، که حضرت فرمود: هر آینه خواهد آمد زمانی که دین مردم سلامت نخواهد بود مگر آنکه فرار کند از سرکوه به سرکوه دیگر و از سوراخی به سوراخ دیگر مانند روباه با بچه هایش یعنی همچنانکه روباه با ترس آنکه مبادا گرگ بچه هایش را بخورد بچه هایش را به دندان گرفته از این سوراخ به آن سوراخ فرار می کند که بچه هایش محفوظ بماند. همینطور صاحب دین باید دینش را از مردم به اعتزال از آنها حفظ کند. گفتند: یا رسول الله چه زمانی است؟ حضرت فرمود: در وقتی که نرسد معیشت مگر به معصیتهای خدا پس در آن وقت حلال می شود عزوبت. گفتند یا رسول الله شما ما را امر به تزویج فرمودی!! حضرت فرمود بله ولکن در آنزمان هلاکت مرد به دست پدر و مادر است و اگر پدر و مادرش نباشند بدست زن و اولادش و اگر زن و اولادش نباشند بدست خویشان و همسایگان است. یاران گفتند چگونه هلاکتش بدست آنها است؟ حضرت فرمود: او را به تنگی معاش (تنگدستی و فقر) سرزنش می کنند و او را به چیزهاییکه در توانش نیست (و قادر بر انجام آن نمی باشد) وادار می کنند تا او را وارد در هلاکت می کنند.

از روایات و احادیث وارده از معصومین حکمتهای نهفته در وجود غیبت و تاخیر آن بسیارند در اینجا فقط به چند فقره از آنها اشاره می کنیم.

(۱) کوتاهی مردم در مقابل احکام و ارزشهای الهی و دینی و عدم معرفت و توجه به امام

زمان (عج)

(۲) قدرت و نفوذ دشمنان در بین مسلمانان و بی تفاوتی و عدم اتحاد اکثریت مسلمانان

در قبال این مسائل

(۳) آزمایش بر صبر و ایمان مردم در مواجهه با مصائب و مشکلات و معصیتهای

(۴) رشد و تکامل مومنین و ایجاد روحیه علمی و معنوی در بین آنها و پویایی و تحول

به سمت بهبود وضعیت

(۵) تامین فرصت جهت پیدایش یاران و دینداران واقعی

(۶) تجربه و یاس و ناامید شدن از وعده های پوچ و واهی سردمداران کفر و نفاق و

قدرت خیالی کاخ نشینیان مرفه به جهت رفع مشکلات مردم و ایجاد تعادل و

برقراری عدالت

علت تأخیر در امر فرج

مرحوم صدوق در کتاب علل و کمال الدین از محمد بن ابوعمیر نقل نموده که به امام صادق (ع)

عرض کردم: چرا امیرالمومنین (ع) در ابتدای امر با مخالفین خود به جنگ برنخاست؟

حضرت فرمود: به علت آیه ای از قرآن کریم که می فرماید:

لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً

اگر مومنین از کفار جدا شوند ما کافران را به عذاب دردناک مجازات می نمودیم.

به آن حضرت عرض کردم. مقصود از جدا شدن مومنان از کافران چیست؟ حضرت فرمود:

مقصود امانتهائی است از مومنین که در اصلاب کافران نهفته شده (و وقتی مومنین از اصلاب کفار

جدا شوند خداوند کافران را عذاب خواهد نمود) سپس حضرت فرمود: حضرت مهدی (عج) نیز

چنین است. او هرگز قیام نخواهد نمود تا مومنین از اصلاب کفار جدا شوند و چون جدا شوند آن

حضرت قیام خواهد نمود و دشمنان خدا را هلاک خواهد کرد.

و در حدیثی دیگر حضرت صادق (ع) می فرماید:

إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ أَيَّاسٍ وَاللَّهِ حَتَّى تَمِيزُوا کمال الدین ۶۴۱

بخدا قسم این امر (ظهور) به سراغتان نمی آید مگر پس از آن که به کلی ناامید شوید نه بخدا قسم،

مگر پس از آنکه (سره از ناسره شما) از هم شناخته نشود.

پس هر زمانیکه افراد چشم امید از مال، ثروت و مقام و... برداشته و به لطف پروردگار عالمیان و

رحمت واسعه او یعنی حضرت بقیه الله چشم بدوزند و خود را فدائی حضرت دانسته و تنها او را

منجی و دلسوز و شفیق بدانند امر ظهور محقق خواهد گشت. و این حدیث بیانگر این مطلب است

که افرادی در جامعه هستند که خوشبختی و نجات خود را در زراندوزی، مدگرایی و داشتن مقام و ریاست می بینند و تا زمانی که این دیدگاه پست وجود داشته باشد جامعه دچار نکبت خواهد بود و همیشه افراد غره امکانات خود می باشند و این یعنی بیچارگی.

یاران حضرت

زمانیکه حضرت ظهور فرموده و بر دیوار کعبه تکیه زده و خود را معرفی می نمایند مردان منتظری که برای آن موعده مبارک لحظه شماری کرده بودند به سرعت خود را به حضرت رسانده و آماده اجرای دستورات و فرامین حضرتش می شوند و با حضرت عهد و پیمان می بندند و بیعت می نمایند.

حضرت امام محمد باقر (ع) می فرماید:

اول خلق الله یبایعه جبرئیل

بحار الانوار ج ۵۲

اولین آفریده خداوند که با او بیعت می نماید جبرئیل است.

ظاهر قضیه این چنین است که اینبار عرشیان برای تبعیت و جانفشانی در راه حضرت بر فرشیان پیش دستی کرده و مقدم شده اند و از حدیث فوق الذکر مشاهده می شود که بزرگ عرشیان و سرور افلاکیان جناب جبرئیل اولین کسی است که دست بیعت به امام عالم هستی داده و به هیبت پرنده ای سفید به محضر آن حضرت مشرف می شود و این زمان انسان را به یاد حماسه جد بزرگوارش حضرت اباعبدالله الحسین (ع) می اندازد که عرشیان جهت یاری مظلوم کربلا به خدمت حضرت امام حسین شرفیاب شدند و جهت مجاهدت و جانفشانی اعلام آمادگی کردند.

حضرت صادق (ع) به سلیمان بن جعفر فرمود: ای سلیمان فتی کیست عرض کرد ما به جوان فتی می گوئیم حضرت فرمود: مگر نمی دانی که اصحاب کهف همگی میانسال بودند اما خداوند به

سبب ایمانشان آنها را فتی نامید.

ای سلمان هر که بخدا ایمان آورد و تقوی پیشه کند او فتی (جوان، جوانمرد) است.

اصحاب المهدی شباب

یاران حضرت مهدی جوانانند.

که جوان دو دسته اند. دسته ای که از نظر سن و عمر در عنفوان جوانی می باشند و در لشکر حضرت قرار می گیرند و دسته ای که بواسطه نور ایمان و تقوی دلشان چون پاره های آهن مستحکم و با نیرو و نشاط است و همیشه چالاک و پویا و فعال آماده هرگونه جانفشانی برای حضرتش می باشند.

حضرت پیامبر اکرم در حدیثی خطاب به اصحابش می فرماید: شما اصحاب من هستید و برادران من مردمانی هستید در آخرالزمان که مرا ندیده اند اما ایمان آورده اند برای هر کدامشان، پایداری در دین از به دست خرد کردن خار مغیلات در شب تیره سخت تر است. یا همچون کسی که اخگر شوره گز را در کف نگه می دارد اینان چراغهای تابان در دل تاریکی هستند. خداوند آنان را از هر فتنه غبارآلود و شبکون نجات می بخشد.

بحار الانوار ج ۵۲

در این حدیث حضرت یاوران امام زمان در آخرالزمان را برادران خویش خطاب کرده و این اهمیت تدین و دینداری و لذت آن و همچنین مشقت و خطیر بودن مساله را می رساند. باید طوری انجام وظیفه کرد که دل مولا خوشنود باشد که آینده بسیار روشن است و انشاء الله به نور وجود حضرت راه برای یاوران باز و روشن و حقیقت آشکار می باشد.

در حدیثی دیگر حضرت خطاب به اصحاب می فرماید: پس از شما مردمی خواهند آمد که یکی از آنان اجر و پاداش ۵۰ نفر از شما را دارد. عرض کردند، ای پیامبر خدا ما در بدر و احد و حنین با شما بودیم و قرآن در میان ما نازل شد؟! فرمود اگر آنچه بر سر ایشان می آید بر سر شما بیاید مانند آنان صبر و شکیبائی نمی کنید.

کمال الدین ج ۱

امام صادق (ع) خطاب به ابن سنان می فرماید: بزودی در شبهه ای خواهید افتاد و بدون نشانه ای نمایان و امامی راهنما خواهید ماند. از این شبهه رهائی نیابد مگر آن کس که دعای غریق را بخواند:

یا الله یا رحمان و یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک

و این اهمیت مطلب ارتباط و توسل به حضرت حق و اهل بیت عصمت و طهارت را جهت نجات از فتن و شدائد روزگار می رساند که باید در همه حال ذکر و دعا را فراموش نکرد مخصوصاً دعا جهت تعجیل در فرج حضرتش را.

آخرین حکومت حکومت دولت کریمه مهدی

و نرید ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم

الوارثین

اراده ما بر این قرار گرفته که به مستضعفین نعمت بخشیم و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین

قرار دهیم.

حضرت امام باقر (ع) در حدیثی می فرماید : دولت و حکومت ما (حضرت مهدی)

آخرین دولت و حکومت ما است و هیچ خانواده و دودمانی نیست جز آنکه قبل از ما حاکم

خواهد شد و این بدین جهت است که چون سیره و روش حکومت را ببینند نگویند ما نیز اگر

حاکم بودیم چنین می کردیم. بحار الانوار جلد ۵۲

خداوند سبحان در آیه شریفه اشاره بر این نکته دارد که ما مستضعفین را جایگزین تمامی

دول جور و ظلم قرار خواهیم داد و دولت کریمه، آخرین حکومت بر روی کره خاک خواهد

بود. بعد از آنکه هر کس هر چه توانست ظلم و تعدی ، چپاول ، طغیان و عناد را به سر حد اعلای

خود رساند و با احکام الهی مبارزه کرد تا بلکه بتواند نور الهی را خاموش کند و کوس انا ربکم

الاعلی بزند. اما حضرت حق اراده اش این چنین نبود و لذا طومار همه آنها را با ظهور حضرت به

هم می پیچید و صدای آنها را در گلو خفه می نماید.

یریدون لیطفنوا نور الله بافواهم والله متم نوره و لو کره الکافرون

توبه - ۳۳

ولی اراده و عزم خدا بر این است که به مومنین و اولیایش حاکمیت حق را که سزاوار

ایشان است را به ایشان دهد. و زمین را از لوٹ جنود پلید ابلیس پاک نماید.

و تعز من تشاء و تذلل من تشاء

و عزت و سرافرازی را بواسطه آخرین خلیفه خود برای بندگانی که استقامت ورزیدند و در مقابل شیاطین ایستاده اند و احکام الهی را در نهایت سختی به نحو شایسته و بایسته انجام دادند به ارمغان می آورد و افراد پست و لاابالی و بی قید و بند و دنیاپرستان شکم دوست و شهوتران را به خاک مذلت و نابودی می کشاند.

قالوا ربنا الله ثم استقاموا لاخوف عليهم و لاهم يحزنون

در آیه قرآن اشاره به مستضعف شد خوبست بدانیم که مستضعف کسی است که فرمان حق تعالی را انجام داده، دارای علم و معنویت و کمال و انسانیت است دلسوز جامعه و شفیق و رفیق انسانها و هادی آنها به حق است ولی به علت جو زمان و بی ارزش شمردن معنویات و کم رنگ شدن حقایق و خوبیها در جامعه توسط انسانهای بی خرد به انزوا کشیده شده و دست یدالهی آنها را با طناب محکم دروغ و تهمت و افتراء بستند و آنها را خانه نشین نمودند تا بلکه بتوانند موانع خوشگذرانی خود را از سر راه بردارند فلذا حضرات معصومین، در نهایت علم و کمال بواسطه نفهمی و کج اندیشی مردم زمان به انزوا کشیده شد.

و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون

انبیاء - ۱۰۵

حضرت امام محمد باقر (ع) در حدیثی می فرماید:

و هم اصحاب المهدی فی آخر الزمان و یدل علی ذلک ما رواه الخاص و العام

عن النبی (ص): انه قال لولم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یربعث رجلاً صالحاً من اهل بیتی ملاء علا الارض عدلاً و قسطاً كما قدملت ظلماً و جوراً.

حضرت باقر (ع) در تفسیر آیه فوق می فرماید: بندگان صالح همان یاران امام زمان در آخر زمان می باشند و بر این مطلب حدیث پیامبر را که شیعیان و اهل سنت نقل کرده اند دلالت دارد که فرمودند: اگر از دنیا باقی نماند جز یک روز خداوند آنروز را طولانی قرار می دهد تا اینکه فرد صالحی از اهل بیت من مبعوث شود و زمین را پر کند از عدل و داد همانطوریکه پر شده از ظلم و جور .

مجمع البیان ج ۷

بد نیست سری هم به کوچه پس کوچه های تنگ و تاریک تاریخ بزنیم همانجائی که عدالت را سربریدند و استوانه حکومت حق را در هم شکستند همانجائی که اگر بی خردان و ابلهان تاریخ کمی تحمل داشته و شتاب نمی کردند و جلوی خود کامگی و جهالت و غرور خود را می گرفتند و سر تسلیم در برابر عظمت حقش فرود می آوردند سالیان سالی باید باشد که بشر خوش و خرم و با صفا باشد و دامن بشریت به دست عده قلیلی به دست آتش جهل سوخت و قامت انسانیت از پا در آمد.

بله منظورم کوفه است، مسجد کوفه و دکه القضاء و محراب باصفای آن و منزل ابرمرد تاریخ ، خانه محقر و ساده ای که بواسطه وجود ایشان شهره عالم و آسمانیان و زمینها گشت . اگر آن بزرگمرد دلسوز تاریخ را یاری کرده بودند و گرداگردش را احاطه می کردند و از علم و معنویتش بهره می بردند. دنیا گلستانی عظیم و بهشتی برین بود.

ولی افسوس که صورت کریمه منظر دختر یهودی در چشم کثیف و آلوده مردی ناپاک و نالایق و لا ابالی، قشنگ جلوه کرد و بر دل پر از عناد و پلیدی او نشست و با کوله باری از کینه سبب شهادت آن ابرمرد تاریخ گشت .

حضرت زهرا (س) در خطبه ای که در اواخر عمر شریفشان ایراد کردند در رابطه با مدیریت و حکومت حضرت علی (ع) اینگونه فرمودند:

سوگند به خدا اگر مردانتان در خارج نشدن زمام امور از دستان علی (ع) پای می فشردند (یعنی او را به عنوان ولی و وصی پیامبر و به دستور پیامبر حمایت می کردند و او را رها نمی کردند) و تدبیر کار را آن چنان که پیامبر بدو سپرده بود تحویل او می دادند علی آنرا به سهولت راه می برد و این شتر را به سلامت به مقصد می رساند.

علی خیر و نیکی را در نهان و آشکار برای آنان خوش می دارد او اگر بر مسندی نشست هرگز بهره ای فراوان از بیت المال را به خود اختصاص نمی داد و از فزونی و ثروت دنیا جز به مقدار نیاز بر نمی داشت. به مقدار آبی که تشنگی را فرو نشاند و خوراکی که گرسنگی را برطرف نماید.

در آن هنگام برای مرد پارسا او از تشنگان به حطام دنیا باز شناخته می شد و راستگو از دروغگو متمایز می گشت زیرا:

**ولو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا عليهم برکات من السماء و الارض
ولکن کذبوا فاخذنا هم بما کانو یکسبون**

"اگر ساکنان قریه ای ایمان آورده، خدا ترسی پیشه سازند برکات زمین و آسمان بر آنان فرو می ریختیم اما آنان دروغ گفتند و ما آنان را در برابر آنچه که بدست آورده بودند گرفتار آوردیم"

" و کسانی که از اینان ستم روا داشتند نتیجه سوء کردارشان بزودی خواهند یافت آنان هرگز بر ما چیرگی نخواهند یافت " .

زمر - ۵۱

تاریخ بهترین محکمه و بهترین مشاور برای وجدانهای بیدار حقیقتجو می باشد و لذا باید از تاریخ برای آینده ای بهتر استفاده نمود. حضرت زهرا در ضمن خطبه اشاره به آیات شریفه قرآن دارند که در آن نکات زیبایی است که باید مدنظر قرار گیرد و سرلوحه کتاب زندگی و مقدمه ای برای زیستن در دولت حضرت مهدی (عج) باشد. یکی آنکه برکات آسمان و زمین بوسیله وجود امام معصوم علیه السلام می باشد و باذن ایشان نازل می شود و اگر امام معصوم حضور فیزیکی داشته باشند عینیت و لمس آن بهتر و محسوس تر است . دوم اینکه انسانها باید خدا را در نظر داشته باشند و امور خود را بر اوامر و دستورات او مطابق نمایند و حدود الهی را بجا آورده و حرام و حلال خدا را و مرزهای آن را احترام بگذارند تا خداوند نیز در بهای رحمت را به آنها بگشاید. سوم اینکه اگر حکومتی ظلم و تعدی نمود پایداری در آن نیست.

اینها درس عبرت است برای امتی که منتظر است و چشم براه رستگاری و قدوم نازنین مظهر حق و عدالت ، قائم آل محمد دوخته است .

باید که امام خویش را چون گوهر گرانبها در میان گرفت و گرد شمع وجود نازنینش بسان پروانه ها دیوانه وار به خدمت در آئیم و وجود مبارکش را از گزند آفات و انسانهای بدخواه کینه توز محافظت نمائیم و از اوامرش اطاعت نموده تا برکات مادی و معنوی آسمانها و زمین بر ما نازل گردد.

حضرت امیرالمومنین (ع) در حدیثی مدت سلطنت آن امام والامقام را می فرماید.

یملک ما بین الخافقین اربعین عاماً

بین مشرق تا مغرب را چهل سال مالک می شود

البته مدت حکومت آن شاه عدالت و دادگستر جهان در اخبار و روایات مختلف می باشد. در

بعضی به زمان هفت سال و در بعضی چهل سال و بعضی حکومت ایشان را تا دامنه قیامت

منتخب الاثر

دانسته اند.

روش حضرت مهدی (عج) در رهبری و زمامداری

عده‌های بواسطه تبلیغات سوء دشمنان اسلام اینگونه می‌پندارند که قیام حضرت برابر است با جنگ و خونریزی و نا آرامی در سراسر جهان و قتل و کشتار مردم و تسلط بر منابع قدرت و ثروت دنیا بواسطه جنگ جهانی و خلاصه چهره‌ای خشن و مردی جنگجو از حضرت تداعی کرده و رعب و وحشتی را از زمان ظهور برای خود تصور می‌نمایند اما بواقع چنین نمی‌باشد و دقیقاً عکس این مطلب عینیت پیدا می‌کند.

حضرت دارای مقام الهی می‌باشد و برای اقدام و دست زدن به کاری اذن و امر حضرت حق شرط انجام آن می‌باشد، وجود مبارک حضرتش عین آزادی و عدالت است و اوست که به عالم هستی مشرف است و اسرار غیب را می‌داند فلذا در مدیریت بی‌بدیل و بر هر امری قادر است.

او آمده که جانها را طبابت نماید و اقتصاد بیمار جهان را سامان بخشد و رخسار زرد و اندام نهیف مظلومان را درمان نماید و غمخوار یتیمان باشد. او می‌آید که انسانها را از یوغ بردگی برهاند و از استعمار و استکبار ابرقدرتهای دنیا آزاد کند او می‌آید که بفهماند هر انسانی می‌تواند حقیقت را دریابد و فقط بنده خدا باشد، او می‌آید که بفهماند همه باید از منابع خدادادی به اندازه زحمت و تلاش خود استفاده نمایند و از حقوق عمومی بهره‌مند گردند حضرت می‌آید که انسانها را از ظلمات بسوی نور و سعادت رهبری کند.

پس وظیفه هر مسلمان این است که ترفندهای دشمن را با بصیرت تشخیص داده و از بروز شایعات و افکار منحرف در مکتب اهل بیت جلوگیری نماید و با آن بدعتها و حيله‌ها مبارزه

نماید و موانع ظهور را مرتفع نماید و زمینه ظهور را با جانفشانی مهیا سازد و توطئه های دشمن را خنثی نماید.

در مقابل کسانی که دست به شایعه و جعل حقایق می پردازند بایستد. یکی از ابزارهای دشمن برای مقابل با اصول گرائی مسلمانان جعل حقایق و روایات ائمه معصومین است که چهره آن بزرگواران را مخدوش و حقیقت را زائل گردانند.

حضرت امام صادق (ع) می فرماید:

همانا مغیره بن سعید که لعنت خدا بر او باد روایاتی در کتب اصحاب پدرم امام محمدباقر (ع) وارد کرد که پدرم هرگز آنها را نفرموده بود.

متد حکومتداری حضرت با تمامی روشهای موجود در دنیا متفاوت است در حکومت حضرت جای برای دروغ و ریا و حيله گری و نفاق نیست، جایی برای انسانهای خود کامه و منحرف و سودجو نمی باشد. سیره حکومتداری حضرت مانند سیره اجداد طاهرینش بر اساس احکام الهی و انسانی عدالت و در جهت رفع نقض و تبعیض می باشد و مسلما در این بین منافع قدرت طلبان و پول پرستان تهدید نشد. و لذا دست به اغتشاش و آشوب می زنند.

از امام باقر (ع) پرسیدند: که حضرت بقیه الله پس از ظهور چه سیره و روشی پیش می گیرند؟
حضرت فرمود: که درست مثل رسول خدا (ص) (تمام آنچه را که به نام اسلام بر دنیا حاکم است از بین خواهد برد و اسلام را از نو عرضه خواهد کرد).

بحارالانوار ج ۵۲

حضرت صادق (ع) می فرماید:

ان قائمنا اهل البيت اذا قام لبس ثياب علی و سار بسیره

امیرالمومنین (ع)

هنگامی که حضرت مهدی (عج) ظهور کند لباسی همچون جامعه های علی (ع) بر تن می کند و دقیقاً به سیره امیرالمومنین عمل خواهد کرد.

رسول خدا نسبت به مردم بسیار دلسوز و شفیق و در برابر آنها خود را مسئول می دانست لذا حضرت حق در شان حضرت پیامبر اکرم چنین می فرماید .

لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمومنين

توبه - ۱۲۸

رؤف رحيم

خداوند متعال از میان شما فردی را به رسالت فرستاد که فقر و پریشانی و جهل و فلاکت شما بر او گران است و برای نجات و آسایش شما حرص می ورزد و خود خوری می کند و نسبت به مومنان بسی دل رحم و مهربان است .

امام زمان (عج) که فرزند ایشان و خلیفه الله می باشد نیز همین بینش و تفکر را در مدیریت جامعه خواهند داشت .

لذا در برابر زورگویان محکم و استوار ایستاده و از مظلومان دفاع خواهد کرد و چون داوود نبی عدالت را برقرار می کند و رای برحق خواهد داد و از لجاجت و طعنه و کینه توزی و عناد دشمنان ابائی نخواهد داشت چرا که آنهایی که از عدالت متواریند و خواهان بی بند و باری و فساد هستند قطعاً مطیع امر ایشان نخواهند بود و لذا دست به اقداماتی مانند اغتشاش و آشوب و فتنه گری، ایجاد رعب و وحشت در جامعه و مسموم نمودن فضای پاک جامعه می زنند تا از این رهگذر بتوانند مانع از اصلاحات حضرت شوند ولی این بار نظر خداوند بر این است که فساد از بین برود و به فتنه گری و بی عدالتی پایان داده شود.

و این بدست با کفایت حضرت مهدی (عج) انجام خواهد شد انشاء الله

امام صادق (ع) می فرماید :

اذا قام قائم آل محمد (ص) حکم بین الناس بحکم داود لایحتاج الی بینه،

الارشاد ج ۲

یلحمه الله فیحکم بعلمه

چون قائم آل محمد قیام کند، همچون داوود نبی، به قضاوت در بین مردم می پردازد و به دلیل و

برهان نیاز ندارد. خدا حقیقت را به او الهام مینماید و او بر حسب علم خویش حکم می کند.

حکومت حضرت جایگاه افراد مومن، متقی و شایسته و متخصص و متعهد می باشد که

توان مدیریت داشته و در برابر ناملازمات صبور و در برابر هوی نفس مقاوم و مہذب باشند چرا

که خود اینگونه اند.

المهدی جواد بالمال، رحیم بالمساکین ، شدید علی العمال

حضرت مهدی نسبت به مال و دارائی بخشنده، نسبت به ناتوانان و مستمندان بسیار مهربان

و نسبت به مسئولان دولت خود بسیار سختگیر خواهد بود. بشاره المصطفی

انشاء الله با ظهور حضرت و برپائی دولت کریمه اش روزگار رهائی و صفا به دنیا برگردد

و همه در صفا و صمیمیت بتوانند خالصانه بندگی خدا را نمایند.

فوائد دعا به جهت تعجیل در فرج و گشایش امر قائم آل محمد

که این امر مترتب بر امتثال و اطاعت فرمان مطاع آن حضرت در توقیع شریف ایشان است که می‌فرماید:

و اکثرُوا الدَّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ

فرج آن حضرت فرج کلی در همهٔ امور عالم هستی است و کمال بهره برداری از دعا و دست یابی به تمام فواید آنها متوقف بر مداومت و بسیار دعا کردن برای تعجیل فرج مولایمان می‌باشد.

یکی از فوائد دعا برای تعجیل در فرج مولی صاحب الزمان، رستگاری و به شفاعت رسیدن آن حضرت است. جهت روشن شدن این مطلب روایتی را ذکر می‌نمایم.

از حضرت ابی عبدالله صادق (ع) روایت شده که فرمود: به درستی که مومنی از شما روز قیامت، فردی را که در دنیا با او آشنا بوده از کنارش می‌گذرانند در حالی که امر شده که به آتشش ببرند فرشته او را می‌برد، او به این مومن می‌گوید: به فریادم برس که در دنیا به تونیکی کردم و در حوائجی که به من رجوع می‌کردی یاریت می‌نمودم آیا امروز پاداشی برای من داری؟ پس مومن به فرشته گماشته او می‌گوید او را رها کن. امام صادق فرمود: پس خداوند سخن مومن را می‌شنود به آن فرشته امر می‌کند که فرمان مومن را بپذیرد و آن شخص را رها سازد.

حال وقتی وضع مومن با کسی که رابطه جزئی با او دارد چنین باشد بدون تردید مولای ما شفاعت می‌کند در حق کسی که پیوسته برای آن حضرت دعا می‌کند و او را روز قیامت در

عذاب رها نمی سازد. زیرا دعا از روابط مهم و ریسمانهای محکم است که نشانه محبت و مایه مسرت و از اقسام یاری و انواع خدمت آن حضرت است.

پس دعا کننده ناصر امام است و امام برای ناصر خود شفاعت می کند باید به این نکته توجه نمود که دعا برای حضرت منافع و فوایدش به خود انسان باز می گردد.

در اینجا به برخی از فواید دنیوی دعا برای آن حضرت اشاره می نمائیم.

(۱) موجب طول عمر و برکت در آن می شود: زیرا دعای به حضرت، صله رحم با پیامبر است و امام حسن عسگری می فرماید: صله رحم پیامبر افضل و واجب تر است از صله رحم خویش حضرت امام محمد باقر (ع) می فرماید: صله رحم کردن اعمال را پاکیزه و بلاء را دفع و باعث آسانی حساب قیامت و موجب طول عمر می شود.

(۲) وسعت و برکت در روزی

(۳) شرفیاب شدن به ملاقات آن جناب در بیداری و خواب: چنانچه حضرت صادق

(ع) می فرماید هر کس بعد از نماز صبح و ظهر بگوید اللهم صل علی محمد و آل

محمد و عجل فرجهم نمیرد تا به فیض ملاقات حضرت قائم (عج) مشرف شود.

(۴) ثبوت ایمان و نجات از مهالک و فتن آخر الزمان است

(۵) دفع و رفع بلاها و عقوبتها به برکت دعا کنندگان از برای ظهور حضرت است.

که آثار و فواید و ثمرات دعا برای حضرت بی حد و حصر است و قابل شمارش و ذکر نیست و

این از باب تذکر بیان گردید.

سیطره اسلام بر همه ملل و ادیان

حضرت رسول اکرم (ص) می فرمایند :

المهدی من ولدی ، الذی یفتح الله به مشارق الارض و مغاربها

مهدی از فرزندان من است ، همان که خداوند بوسیله او مشرقها و مغربهای زمین را فتح خواهد کرد.
الزام الناصب ص ۱۲۷

زمانیکه حضرت بقیه الله فرزند شاه ولایت ، ولیعهد عظیم الشان بر اریکه خدمت و سریر عزت تکیه فرماید و همای سلطنت آن رخسار ماه گونه بر فراز آسمان انسانیت هویدا شود. بالهای رحمت او سراسر عالم هستی را خواهد گرفت و نغمه دلنشین حضرتش که مژده آزادی و هویت را به همراه دارد. گوش جان عالم هستی را نوازش می کند و سراسر گیتی از حضورش فرحناک می گردد و وعده الهی محقق شده و این دهکده جهانی یکصدا و یک شعار صدای توحید و رستگاری سر می دهد.

یکون الدین لله

و دین مخصوص خداوند گردد. بقره - ۱۹۳

از خدای عز وجل مسالت نماید که دین حق و اهل ایمان را بر همه ملل و ادیان چیره و پیروز نماید و این در حدیثی از حضرت پیامبر ذکر گردید.

رسول اکرم (ص) می فرمایند :

لا یبقی علی ظهر الارض بیت مدر و لا وبر الا ادخله الله کلمه الاسلام. اما بعز عزیز او بذل ذلیل اما یعزهم فیجعلهم الله من اهله فیعزوا به و اما یتذلهم فیدینون له

ظهور و قیام حضرت مهدی یک جریان منطقه ای و قومی نیست بلکه یک مساله جهانی و همگانی است و ظهور ایشان باعث ایجاد حکومت الهی در جان و غلبه و پیروزی کامل حق بر باطل است .

ظهور آن حضرت، حل مشکلات اساس جهان و ترسیم از آینده دین مبین اسلام است ، ظهور آن حضرت پیاده شدن وعده حکومت توحید در روی زمین است که توسط قرآن مجید و رسول اسلام وعده داده شده است و با ظهور ایشان جبهه نفاق و کفر و الحاد، فسق و فجور و عصیان در هم کوبیده می شود و پرچم عدالت و مساوات و برادری و اتحاد به اهتزاز درمی آید و بشر به آمال دیرینه خود دست یافته و مزه و طمع خوش زندگی را در سایه ایمان و معنویت چشیده و رنگ سبز بهار در همه جا تازه و با طراوت می شود .

حضرت ابو جعفر (ع) می فرمایند :

❁ ان ذلک یكون عند ظهور المهدی من آل محمد (ص) فلا یبقی احد الا اقرّ بمحمد (ص)

و آیه شریفه :

❁ هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

او کسی است که رسول خدا را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر

این آیه حکایت از پیروزی و غلبه اسلام بر تمامی عالم می باشد. مرحوم طبرسی در ذیل

آیه صف از امیرالمومنین (ع) نقل می کند :

**فوالذی نفسی حتی لاتبقى قریه الا وینادی فیها بشاهده ان لاله الا الله بکرة و
عشیاً**

فلذا برای عملی شدن این آرزوی دیرینه بشر و اقامه عدل و داد و سطره حق و پرچم

رستگاری باید دعا نمود و تلاش کرد و زمینه های ظهور آقا را فراهم آورد. از دیگر دعاهای موثر

و مفید و راه گشا دعا برای برطرف شدن موانع ظهور که یکی از آنها معاصی و خطاهائی است که

از محبین حضرت سر می زند و دیگر دعا، دعا برای نابودی دشمنان آن حضرت است که آنان نیز

به انتظار طلوع آخرین ستاره عدالت هستند که آنرا در آسمان تاریکی خود محو کنند ولی اراده

خدا و تقدیر خداوند به نحو دیگر رقم خورده و اینان قادر بر آن نیستند که بر اراده خدا چیره

شوند.

انسان تا زمانی که ارتباط خود را با خالق خود مستحکم ننموده و متصل به منبع فیض

لامنتهی که هیچ نقصانی در آن راه نمی یابد، نگردیده و طبق آیه شریفه قرآن که می فرماید :

خلق الانسان ضعيفا

اظهار عجز و ناتوانی در برابر قدرت و علم الهی ننماید نمی تواند واقعیات را آنگونه که

هست درک نماید و نفس او این اجازه را به او نمی دهد که بخواهد به برتری دیگران نسبت به

خود حتی لحظه فکر کند چه برسد به اینکه بخواهد میدان ریاست و کیاست را به او واگذار نماید.

پس انسان طبق حدیث :

من عرف نفسه فقد عرف ربه

به این جمع بندی می رسد که اگر انسان خود را بخوبی شناخت و پی به نقاط ضعف و قدرت خود پی برد و راه علاج خود را از طریق احکام و قوانین الهی و اجرای صحیح آن در زندگی دانست و گوش دل را به کلام حق تعالی که از طریق وحی بر پیامبر و تفسیر اهل بیت بر جهانیان اعلام شده بسپارد می تواند اینگونه فکر کند که خود و عقل محدود خود نمی تواند بر مسائل عالم هستی سیطره یابد و نیاز به فردی که ماورای این جهان و مقدم بر آن است دارد. پس اینجا احساس نیاز کرده و دست خود را به سمت او دراز کرده و از او به اذن خدا امداد می خواهد و دعا می نماید که " الدعاء سلاح المومن " که بهترین دعا، دعا برای تعجیل در امر فرج مولایمان است که با حضور و ظهور ایشان مشکلات بشر حل می شود. انسان باید با تلاش مجاهدت و کار و تحصیل علم و دانش و بدست گرفتن زمام امور در مسائل شخصی و اجتماعی با استمداد از حضرت حق و توسل به امام معصوم و مسئولیت پذیری در قبال جامعه و داشتن وجدان در امور و تعهد در قبال افراد جامعه خویش راه گشای این امر باشد.

تا جوامع بشری رهبران دروغین و چپاولگر و ظالم را بر رهبران راستین ، مشفق و متعهد ترجیح دهد، تا زمانی که خوشبختی خود را در داشتن امکانات مادی صرف منهای معنویت و دین بداند، تا زمانی که انسانهای متدین و متشرع را افرادی پست، عقب مانده و ناکارآمد بخوانند و سایرین را بر آنها ترجیح دهد و تا وقتی که دشمنان خدا را دوست و مایه نجات و مباحات خود دانسته و از همنشینی با اولیاء خدا و مودت و دوستی با ضعفا احساس خفت و خواری کند و در

یک کلمه تا زمانی که دشمنان خدا را بر دوستان خدا برتری داده و تاج عزت بر سر آنها بنهد هرگز طعم ایمان، حلاوت عبادت و برخورداری از امتی پاک و بی غل و غش و عاری از دغل و ظلم و پر از عدالت و برابری و برادری را نخواهد چشید و اصولاً اگر چنین افراد باشند قابلیت درک و برخورداری از این نعمت بزرگ الهی را نخواهند داشت و الان می بینم در جوامع غربی انسانها با شعار مادی و با زور پول و قدرت، مردم را مانند امواج سهمگین دریا به سواحل می زنند و مردم بعد از مدتی خسته و وامانده و درمانده به دنبال منجی دیگر و مدیر بهتر و سرپرست کارآمد می باشند و فکر می کنند با این امکانات مادی می توان به راحتی و آسودگی میل پیدا کرد در چنین زمان پر هرج و مرج دشمنان دین خدا از غفلت انسانها، جهل و فقر فرهنگی و دید ظاهری و مادی سوء استفاده کرده و با شعارهای دروغین و فریبنده، ملتها را سرکیسه کرده و چپاول می کنند و بجای آزادی و عدالت و رفع تبعیض، خزانة های خالی و بیت المال به یغما برده شده، فساد، فحشا و... را به ارمغان می آورند. پس انسانها باید بدنبال منجی واقعی که خداوند و انبیاء الهی معرفی نموده اند باشند و در آن مسیر حرکت کنند و زندگی شخصی و اجتماعی خود را بر آن افکار و احکام بنا کنند و با دشمنان خدا مبارزه کنند و با دوستان خدا دوستی کنند تا مورد رحمت خداوند بواسطه امام معصوم قرار گیرند.

و اما در باب دعا برای نابودی دشمنان حضرت صاحب الزمان تا زمانیکه انسان خود را بی نیاز از معنویات و سفارشات و نصایح و تذکرات خیرخواهانه اولیاء خدا بداند و از مکتب الهی و احکام و سنن و آداب آن گریزان و اظهار تنفر نماید و نوعی بی میلی و بی ادبی به آن کند و رقابت و تلاش و مجاهده مفید و مثمر ثمر تبدیل به رقابت بر سر زراندوزی و تعدد کاخ و ویلا و اتومبیل

باشد و به رخ کشیدن مقام و منصب و امکانات مادی شود و زینت انسان که شخصیت اوست تبدیل به تجملات دنیوی شود. مسلماً چنین انسانهایی خود دشمن خدا هستند و چنین افرادی خود را باید اصلاح کنند و توبه و انابه نمایند.

یار در خانه و ما دور جهان می گردیم آب در کوزه و ما تشنه لبان می گردیم

پس کسانی که خود این عیب بزرگ را نتوانند رفع نمایند مستوجب حاکمانی زورگو و مستبد و فاسد و فاحش می شوند و هرگز رنگ خوشبختی را به خود نخواهند دید و مانند کرمهای بدن مردار درون خود می خزند و سرگرم آن گنداب می شوند تا بمیرند و اگر کسی فکر می کند با این تجملات و این امکانات منهای خدا و دین و معنویت خویشتن می باشد باید عرض کنیم دچار توهم و سردرگمی و سراب شده و فقط فکر و خیال می کند که خوب زیست کرده و دزدان ماهر شب با قیافه های غلط انداز انسان نما در روز بین مردم باشند و شریک دزد و رفیق قافله و گرگ در لباس میش و الفاظ و تعارفات قشنگ و انسانی و عملی پر از نفرت و فکر پر از نیرنگ باشد و برادر به برادر در باطن ترحم ننماید و انسانها همدیگر را با آداب قشنگ چپاول کنند و دزدی به شیوه مدرن و روز کنند. اینان به بیراهه رفته و خاک مذلت بر سر مبارکشان است و اینان خود دشمن خدا و یاور دشمن خدایند آیا اینان باید دعای برای نابودی دشمنان خدا و ظهور آقا امام زمان نمایند!! حافظ تو خود حجاب خودی از میان برخیز.

پس شیعه امام زمان و محب آقا باید دلسوز جامعه و متعهد و مسئولیت پذیر باشد. بر حقوق افراد احترام گذارند. شخصیت دیگران را لگدمال ننماید. ارزشها را پاس بدارد و از دین خدا حمایت نماید. حق مظلوم را اعاده کند. خود را بر دیگران ترجیح ندهد برای فقرا و نیازمندان

تا سرحد امکان ایثار و جانفشانی نماید، تحصیل علم و معنویت و تقوی و کمال بنماید و دعا برای

نابودی دشمنان حضرت نماید. با آروزی اینکه ما نیز توفیق این تکلیف را داشته باشیم انشاء...۰۰۰

مرجع شیعه در زمان غیبت کیست

خداوند متعال در سوره نحل آیه ۳۴ می فرماید:

فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون

و همچنین در سوره انبیا - آیه ۷ نیز همین مطلب را تکرار می فرماید.

و در روایات متعددی که از طرق اهل بیت وارد شده می خوانیم که اهل ذکر امامان

هستند در روایتی از امام علی بن موسی الرضا (ع) در پاسخ به سوال از آیه فوق فرمودند:

نحن اهل الذکر و نحن المسئولون

ما اهل ذکریم و از ما باید سوال شود و در روایت دیگری از امام باقر (ع) در تفسیر

همین آیه که فرمود:

الذکر القرآن و آل الرسول اهل الذکر و هم المسئولون

ذکر، قرآن است و اهلیت پیامبر اهل ذکرند و از آنها باید سوال کرد.

در بسیاری از تفاسیر و کتب اهل سنت نیز روایاتی به همین مضمون می خوانیم از جمله

در تفسیرهای دوازده گانه معروف اهل سنت که از ابن عباس در ذیل آیه فوق نقل شده او گفته

است، اهل الذکر محمد (ص) و علی (ع) و فاطمه (س) و حسن (ع) و حسین (ع) هم الذکر و

العقل و البیان پس آیه فوق یک قانون و اصل در تمام شئون زندگی اعم از مادی و معنوی

می باشد و از مسلمانان می خواهد هر آنچه را که نسبت به آن آگاهی ندارد و نمی دانند از اهل

خبره و آگاه در آن امور بپرسند و با سلیقه خود و اندیشه خود باعث بنا نهادن تفکرات سوء و

بالاتفاق اشتباه در جامعه نشوند و این مسئله تخصصی و باید به متخصصان هر امری مراجعه نمود اما

متخصصی که دارای صداقت و درستی و بی غرض و محقق باشد و متعهد و پایبند به اصول و ارزشهای انسانی و معنوی باشد و در ارائه نقطه نظرات خود هیچ نظر سوء نداشته و منافعی را در نظر نگیرد و به فکر تامین نیازهای خود نبوده و عنادی نرزد.

خوب حال اهل ذکر معلوم شد و سوالات نیز باید در هر زمینه از متخصص، متعهد و دارای اخلاق انسانی و دینی پرسیده شود و به آنها رجوع گردد. سوال اینجاست که حال که ما در زمان غیبت به سر می بریم و مستقیماً و بلاواسطه نمی توانیم از محضر حضرت بقیه الله افاده فیض نمائیم و جواب سوالات و شبهات خود را دریافت بداریم چه باید بکنیم؟ آیا باید به تدبیر و عقل خویش مسائل را حل و فصل نموده، یا اینکه باید منتظر و بلا تکلیف ماند تا حضرت ظهور نمایند یا اینکه راه دیگری را باید جستجو نمود؟

حضرت در یکی از توقیعات خود این چنین می فرمایند:

و اما الحوادث، الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا فانهم حجتی علیکم
وانا حجه الله علیهم

بحار الانوار

با این فرموده و دستور حضرت تکلیف مسلمانان مشخص شد که اموری که بین مسلمانان در هر عصر واقع می شود و از تصمیم گیری در آن عاجز می شوند منبع و مرجع ایشان فقها و مراجع تقلید است و تنها ایشان هستند که علم هدایت عام و زعامت در زمان غیبت را بر عهده دارند و می توانند که مسائل و شبهات را حل و فصل و رفع نمایند.

پس شخصاً و با تدبیر خود رای نظر دادن و حکم صادر کردن منافی دستور حضرت می باشد و لذا یکی از علائم ظهور حضرت و آخر الزمان این است که مردم از مجالس علما

گریزانند (یعنی خود و عقل و علم خود را جهت رفع مسائل خود مکفی می دانند و بی نیاز از علما) و در هنگام صحبت از علم و دین و یاد معاد و مرگ منزجر و ملول و اگر مجبور شوند به دلایلی به چنین جلساتی وارد شوند در خواب غفلتند و اینان کسانی هستند که اگر امام ظهور نمایند از امام نیز ابراز بیزاری نموده و حضور ایشان را ضروری نمی دانند و شواهد و گواه بر این مطلب زمان امیرالمومنین (ع) بود که حضرت می فرمودند که **سلونی قبل ان تفقدونی**: پرسید هر آنچه را که نمی دانید از من قبل از اینکه دیگر مرا نیابید و دسترسی به من نداشته باشید و مردم ناآگاه و یا کج اندیش و مغرض سوالاتی مبهم و از روی تعجب و تمسخر می پرسیدند که دل هر انسان متشخص و دارای شان و کمال و ادب را بدرد می آورد که واقعاً چرا انسانها از چنین گوهرهای بی بدیلی اینگونه استقبال کردند و بجای پذیرش امر حق و تسلیم در برابر آنها، تکبر و جهل ورزیده و فقط و فقط باعث محرومیت خویش گردیدند.

لذا امام صادق (ع) در تفسیر سوره مبارکه حج آیه ۴۵ می فرماید:

فكأین من قریه اهلكنها و هی ظالمة فهی خاویه علی عروشها و بئر معطله و

قصر مشید

این مثلی است که بیان شده در وصف آل محمد (ص) و بئر معطله آن چاهی است که از او آب کشیده نمی شود و آن امامی است که غایب شده و دسترسی به آن بواسطه عمل خود انسانها سخت شده و از این لطف محروم گردیده اند.

پس نهایتاً تکلیف مسلمانان بعد از غیبت نیز مشخص شده و امت به حال خود رها نگردیده تا دچار شبهه و سرگردانی شوند و پاسداری و حفاظت از امر دین و راهنمایی، حقیقت جویان را حضرت به عهده مراجع و علمای دین نهاده اند.

امام حسن عسگری: در حدیث مفصلی در بحار الانوار جلد ۲ می فرماید:

﴿فَمَا مِنْ كَانٍ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِماً لِنَفْسِهِ : حَافِظاً لِدِينِهِ، مُخَالَفاً عَلَىٰ هَوَاهُ
مَطِيعاً لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ وَ ذَلِكَ لِأَيْكَونَ الْآبِعَضُ فُقَهَاءِ
الشَّيْعَةِ لِأَجْمِيعِهِمْ﴾

حضرت امام حسن عسگری در رابطه با وظایف فقها و شرایط ایشان می فرماید:

و اما کسانی که از بین فقها خویشان دار در مقابل حوادث و حافظ دین خود و مخالف
هوی و هوس خویش و مطیع امر مولای خود باشند مردم می توانند از آنها تقلید کنند و احکام
دین خود را از ایشان سوال نمایند. البته این شرایط در بعضی از فقهای شیعه یافت خواهد شد نه در
همه آنها.

مجالست و مصاحبت با امام زمان (عج)

از آنجایی که در طول تاریخ بدخواهان و کج اندیشان و قابیل صفتانی که بجای اصلاح درون و درمان بیماری خود انگشت اتهام را بر هابیلیان نهاده و آنها را محکوم به نابودی می کنند. همیشه هابیل به مسلخ برده شده و بتوسط تیغ کین ذبح شدند. مصلحت خداوند متعال بر این قرار گرفت که آخرین ستاره امید و حجت بالغه خود را دور از چشم حسودان و فاسقین به سلامت بدارد اما مردمان کامل و برترین نیکوکاران و انسانهای متقی و وارسته را به خلوتگاه انس او هدایت خواهد نمود و ایشان را همدم و مونس تنهایی آن مظلوم پرده نشین قرار خواهد داد.

حضرت امام رضا (ع) می فرماید :

سِیُونِسُ اللَّهِ بِه (خُضْر) وَحِشْتَه قَائِمِنَا فِی غِیْبَتِه وَ یَصِلُ بِه وَحْدَتِه

بزودی خداوند حضرت خضر را مونس وحشت قائم ما قرار خواهد داد و تنهایی او را برطرف خواهد کرد.

بحارالانوار ج ۵۲

خوشا پرپر زنان دور کویت

خوشا پروانگان گرد رویت

اما متأسفانه همین مساله نیز خود باعث سوءاستفاده عده ای در طول تاریخ غیبت حضرت گردید که از این راه عده ای بر این تاخند و شبهاتی وارد کردند و قصد براندازی و کوبیدن آیین اسلام را نمودند و عده ای غافل مادیگرا نیز به قصد زراندوزی و جاه طلبی در مقام نیابت و سایر ادعاهای کذب و واهی پا به میدان رقابت گذارند از این رو امام راه این افراد را سد نموده و برای جلوگیری از اینگونه سوءاستفاده ها در حدیثی فرمودند :

سیاتی الی شیعتی من یدعی المشاهده الا فمن ادعی المشاهده قبل خروج السفیانی و الصیحه فهو کذاب مفتر و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم

به زودی کسانی ادعای مشاهده (نیابت خاصه) مرا خواهند کرد. آگاه باشید هر کس قبل از خروج سفیانی و شنیدن صدای آسمانی، ادعای مشاهده مرا کند دروغگو و افترا زننده است حرکت و نیرویی جز به اتکای خدای بزرگ نیست.

حضرت در این روایت جلوی افراد شیاد و دروغگو و کسانی که می خواهند از این راه به دین و ولایت ضربه وارد نموده یا به دنبال مقاصد شخصی و دنیائی خویش می باشند را مسدود نموده و امر حضور و مشاهده را بعد از وقوع علائم حتمیه می دانند. افراد متقی و آراسته به صفات انسانی و مزین به طوق بندگی خالصانه خدا شدند به حضور حضرت شرفیاب شده و چه بسا کسب تکلیف و رفع شبهات نموده اند. از جمع بندی روایات در خصوص زیارت و مشاهده جمال بی بدیل حضرتش و شرایط و آداب مجالست با ایشان می توان به بعضی از آنها بطور گذرا و مختصر اشاره نمود.

(۱) ارتباط و محبت و مودت و ابراز ارادت قلبی به حضرت از طریق اینکه در همه لحظات و آنات بیاد حضرت بوده و جهت تعجیل در امر ظهور حضرتش و به جهت سلامتی ایشان دعا بنماید.

(۲) خواندن نماز اول ماه و دادن صدقه و هدیه نمودن ثواب آن اعمال به پیشگاه عالی مقامش

(۳) صدقه دادن برای سلامتی آن حضرت و اولاد و اصحاب ایشان

(۴) زیارت بیت الله الحرام و انجام اعمال حج به نیابت از آن حضرت

(۵) زیارت عتبات عالیات به نیابت از آن حضرت

(۶) قرائت صلوات معروف به ابوالحسن ضرابی اصفهانی که مرحوم شیخ عباس قمی در کتاب

بارزش و گرانبهای مفاتیح الجنان آنرا ذکر فرموده اند.

(۷) قرائت زیارت مخصوصه حضرت

(۸) قرائت زیارت آل یاسین بصورت مداوم و روزانه

(۹) قرائت دعا افتتاح در ماه مبارک رمضان و سایر ایام زیارت قبور مطهر امامزاده ها و همچنین

عزیمت به مسجد جمکران به قصد زیارت حضرت

(۱۰) خواندن نماز امام زمان در هر روز

(۱۱) دعاهای وارده در باب فرج آقا امام زمان

(۱۲) مطالعه سیر زندگی، اهداف، توقیعات و... آن حضرت به جهت آشنائی با ایشان

(۱۳) استغاثه به آن حضرت (هر روز ۷۰ مرتبه) المستغاث بک یا صاحب الزمان.

مطالب و آداب و اعمال فوق گوشه ای از مقدمات و آداب معاشرت با حضرت می باشد و می

توان مجمل به عرض رساند که انجام اوامر الهی و ترک معاصی و داشتن اخلاق و فضائل انسانی و

اسلامی شرط درک و حضور آن مقام عالیقدر و وجود اقدس و جمال دلربا و بی بدیل، شاهنشاه

حاکم هستی و ولی مطلق کون و مکان، حضرت مهدی (عج) می باشد که انشاء... بتوان با

رعایت حدود الهی و تزکیه نفس و خلوص در نیت و تقوی محضر حضرتش را درک نمود.

در اینجا داستان یکی از اولیاء خدا که بواسطه خلوص نیت و تقوی به خدمت آقا رسیده را برگرفته

از کتاب پرواز روح و ملاقات با امام زمان نوشته سید حسن ابطحی نقل می نمائیم.

شخصی بنام حاج شیخ محمد کوفی که ساکن در کوفه بود. ایشان می فرمود: در آن زمان هنوز ماشین در راه عراق و حجاز رفت و آمد نمی کرد، من با شتر به مکه مشرف شدم و در مراجعت از قافله عقب ماندم و راه را گم کردم و کم کم به محلی که باتلاق بود، رسیدم پاهای شتر در آن باتلاق فرو رفت، من هم نتوانستم از شتر پیاده شوم و شترم هم نزدیک بود بمیرد ناگهان از دل فریاد زدم "یا اباصالح المهدی ادر کنی" و این جمله را چند مرتبه تکرار کردم، دیدم اسب سواری به طرف من می آید و او در باتلاق فرو نمی رود او به گوش شترم جمله ای گفت که آخرین کلمه اش را شنیدم که این مطلب بود "حتی الباب" یعنی "تا دم در" و شترم حرکت کرد و پاهای خود را از باتلاق بیرون کشید و به طرف کوفه به سرعت حرکت کرد. من رویم را به طرف آقا کردم و گفتم من انت؟ (تو کیستی) فرمود: انا المهدی گفتم: دیگر کجا خدمتتان برسم فرمود: متی ترید "هر جا و هر وقت تو بخواهی" دیگر شترم مرا از او دور کرد و خودش را به دروازه کوفه رساند و افتاد، من در گوش او کلمه حتی الباب را تکرار کردم، او از جا برخاست و تا در منزل مرا برد. این دفعه که به زمین افتاد فوراً مرد.

نائل شدن به ملاقات حضرت سهل و ممکن می باشد به شرط انجام اوامر الهی و ترک معاصی حضرت حق و این خود ما هستیم که باعث حجاب و فاصله می شویم و اعمال ما سبب تعارض و عدم سنخیت می گردد. اگر انسان دل و روحش پاک و منور شود بواسطه اعمال خیر و صالح موفق به دیدار رخسار زیبایش خواهد شد.

منجی آخرالزمان و ادیان

بطور کلی در جهان امروز بحثی تحت عنوان اعتقاد به مصلح جهانی که در اصطلاح به آن فوتوریسم **Fotorism** اطلاق می شود ارائه شده که هر کدام از مذاهب و مسالک اعتقاد خود را نسبت به آن بیان داشته اند .

فوتوریسم یعنی اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی و مصلح جهانی بزرگ فوتوریسم عقیده ای است که در کیشهای آسمانی: زوراستریانیسم **Zoroasterianism** (مذهب زرتشت) و جودائیسیم **Judaism** (مذهب یهود) و سه مذهب عمده مسیحیت که عبارتند از کاتولیک **Catholik** و پروتستان **Porotestan** و ارتدکس **Orthodox** و تمام مدعیان نبوت بعنوان اصل مسلم و غیرقابل انکار می باشد و بالاتفاق چنین مصلحی را لازم و ضروری دانسته و در کتب خود بدان بشارت داده اند که ما به عنوان نمونه بعضی از آنها را وارد می نمایم.

سنت و قانون همیشگی و جاودانه خداوند منان بر آن بوده و هست که همواره برای هدایت و راهنمایی بشریت افراد شایسته و کاملی را به عنوان پیامبر و سفیر بر حق خویش فرستاده و قافله انسانی را بدون سرپرست و پیشوا رها نکرده، در همه اعصار و افرادی برگزیده و نخبگانی را عهده دار این مسئولیت بزرگ و خطیر نموده و هیچگاه زمین و اهلش را از حجت، خالی و بی نصیب نگذاشته است . چنانچه قیام و پا برجایی آسمان و زمین بوجود چنین انسانهای کاملی می باشد.

پس از پیامبر خاتم و رسول اعظم اسلام وصی او امیرالمؤمنین و فرزندان برومندش تا امام حسن عسگری و اکنون، جهان هستی از وجود پرفیض فرزند برومندش حضرت بقیه الله الاعظم ولی عصر (عج) سکان دار و ناخدای کشتی وجود مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف بهره مند و برخوردار بوده از آن حضرت کسب فیض می کند زیرا او واسطه فیض الهی بین خالق و مخلوق بوده و عالم هستی از پرتو نور وجودش چون خورشید درخشان کسب فیض می کند.

بیمنه رزق الوری و بوجوده تثبیت الارض و السماء

مردم به برکت او روزی می خورند و آسمان و زمین بواسطه او پابرجا است.

مهدی موعود در زبور داود :

در زبور داود (ع) تحت عنوان (مزامیر) در لابلای عهد عتیق نویدهایی درباره ظهور حضرت مهدی (عج) داده شده و نویدی از پیروزی صالحان بر شریران و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم و آئین مستقیم موجود است .
مطالبی که در قرآن کریم پیرامون ظهور حضرت مهدی (عج) آمده و از زبور نقل شده عیناً در زبور فعلی موجود است و از تحریف مصون مانده

و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون

انبیاء - ۱۰۵

اینک متن زبور :

۱- زیرا که شریران منقطع خواهند شد و اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند شد

بعد از اندک زمانی، شدید نخواهد ماند، در مکانش تامل خواهی کرد و نخواهد بود و اما حلیمان

وارثین زمین خواهند شد... زیرا که بازوان شریر شکسته خواهد شد، صالحان را خداوند تایید می کند، خداوند روزهای کاملان را می داند و میراث آن ها خواهد بود تا ابدالابد.

۲- در فصل دیگر دارد: قوم ها را بر انصاف داوری خواهد کرد آسمان شادی کند و

زمین مسرور گردد و دریا غرش نماید صحرا و هر چه در آن است به وجد آید، آنگاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود. به حضور خداوند، زیرا که برای داوری جهان می آید ربع

مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد. مزامیر: مزمور ۳۷

مهدی موعود و تورات

۱- خداوند به حضرت ابراهیم ظاهر گشته فرمود: به ذریه تو این زمین را می بخشم،

ذریه تو مثل ستارگان آسمان است چنان که آن ها قابل شمارش نیست ذریه تو نیز چنین است.

تورات فصل ۱۲

۲- نام تو ابراهیم خواهد بود، تو را پدر امت های بسیار قرار دادم و آن ها را از تو پدید

آوردم و پادشاهان از نسل تو به وجود آیند، عهد خویش را میان تو و ذریه و فرزندان استوار

کردم، تا نسل بعد نسل، جاودانه باشد... در خصوص حضرت اسماعیل دعایت را اجابت کردم و

به او برکت و خیر دادم و دوازده رئیس از وی پدید آمده، امت بزرگ و عظیمی را تشکیل خواهد

داد، امت جهانی از برکت او خواهد بود.

۳- نهالی از تنه "رسی" بیرون آمده شاخه ای از ریشه هایش خواهد شگفت و روح خدا

بر او قرار گرفته، مسکینان را به عدالت داوری نموده، به مظلومان زمین به راستی حکم خواهد کرد

و چنان امنیت برقرار خواهد شد که گرگ با بره، پلنگ با بزغاله یک جا به زندگی ادامه می دهند،

و طفل کوچک می تواند آن ها را براند... در تمام کوه مقدس ضرر و فسادى نخواهند کرد، زیرا

جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد. اشعیاى فصل ۱۱

۴- از نسل یعقوب وارثش بر روی کوه های خویش به ظهور خواهم رساند و

برگزیدگانم ورثه آن و بندگانم ساکن آن خواهد شد. اشعیاى فصل ۶۵

۵- و در آن زمان میکائیل امیر عظیمی که برای پسران قوم تو "خطاب به حضرت

دانیال" برخواهد خواست و بسیاری از آنانی که در خاک خوابیده اند بیدار خواهند شد و عده

کثیری را به راه عدالت رهبری می نماید، اما تو این موضوع را مخفی داشته کتاب را مهر کن...

بسیاری از مردم به سرعت تردد خواهند نمود، خوش به حال کسانی که آن زمان را انتظار کشند.

گیتا دانیال نبی فصل ۱۲

۶- اگرچه او تاخیر کند، منتظر او باش زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد و

جمع امته را جمع نموده یک اجتماع بزرگ و عظیم از تمام اقوام فراهم می آورد.

حقوق نبی فصل ۲

مهدی موعود و انجیل عهد جدید

همچنان که برق از شرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود، ظهور پسر انسان نیز چنین

است، آنگاه علامت و نشانه او در آسمان ظاهر گردد در حالی که بر ابرهای آسمان سوار، با تمام

قدرت و جلال می آید، به این سخن خویش چنان معتقدم که زمین و آسمان زایل شود اما سخن

من زایل نشود، ولی از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان.

البته شما حاضر باشید و آماده زیرا در ساعتی که شما گمان نمی برید، پسر انسان می آید. کمرهای خود را محکم بسته ، چراغ های خود را افروخته داشته، مانند کسانی باشید که انتظار آقا و سرور خود را می کشند، خوش به حال کسانی که آقا و سرورشان بیاید و آن ها آماده و بیدار باشند.

انجیل یوحنا فصل ۱۷-۱۲

مهدی موعود و هندیان

در کتاب های مقدسه ای که میان هندیان به عنوان کتاب های آسمانی شناخته شده و آورندگان آن ها به عنوان پیامبر قلمداد می شوند، تصریحاتی زیاد راجع به مهدی موعود شده و ما به چند نمونه بسنده می کنیم.

۱- در کتاب "باسک" از کتب مقدسه هندیان چنین آمده است ، دور دنیا به پادشاه عادل ختم شود در آخرالزمان که او پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان بوده حق و راستی و درستی با او باشد، آن چه در دریاها و زمین و کوه ها پنهان است به دست آورده آن چه در آسمان و زمین نهفته از آنها خبر دهد و از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید.

۲- کتاب "شاکمونی": پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلائق در دو جهان "کشن" تمام شود و او کسی باشد که بر کوه های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فریاد دهد، بر ابرها سوار شده، فرشتگان در کنار او بوده، جن و انس در خدمت او خدمتگذار باشند، و از دلوران که زیر خط استوا است تا سرزمین "تسعین" که قطب شمالی است و ماوراء النهر را صاحب شود و دین خدا را زنده کرده در حالی که خود خداشناس بوده نامش استاد است .

۳- کتاب "ریک وداع": ویشنو در میان مردم ظاهر گردیده از همه کس قوی تر و

نیرومندتر بوده در یک دستش شمشیر مانند ستاره دنباله دار و در دست دیگر انگشتری درخشانده دارد، هنگام ظهورش خورشید و ماه گرفته و زمین خواهد لرزید.

۴- کتاب "دید": پس از خرابی دنیا، در آخرالزمان پادشاهی به نام منصور بیاید که

پیشوای خلائق بوده تمام عالم را تسخیر کرده به دین خود آورد، همه مردم از کافر و مومن را بشناسد و هر چه از خداوند بخواهد برآورده گردد.

۵- کتاب "وشن جوک": سرانجام دنیا به کسی بر گردد که خدا را دوست داشته از

بندگان خاص او باشد در حالی که نام او فرخنده و خجسته باشد.

۶- کتاب "دادتک": از کتب مقدسه برهمنیان هند کتابی است با نام دادتک که چنین

اظهار می دارد بعد از آن که در آخرالزمان اسلام در میان مسلمانان، از ظلم ظالمان و فسق عالمان و تعدی حاکمان، ریای زاهدان، بی دیانتی امینان و حسد حاسدان از بین رفته به جز نامی از آن باقی نماند... دست حق از آستین قدرت به درآید و جانشین آخر همتا (حضرت محمد (ص)) ظهور کند، مشرق و مغرب عالم را گرفته، خلائق را هدایت کند.

۷- کتاب "پایسکل": چون مدت روز تمام گشته دنیای کهنه نو گردد پیشوای جدید از

فرزندان دو پیشوای جهان یکی ناموس آخرالزمان، دیگری وصی بزرگترش "پشن". « حضرت علی (ع) بر حق، پادشاه و حاکم شود و از خلیفه و جانشین "رام" (حضرت حق) بوده دارای معجزه بسیار باشد.

مهدی موعود و زرتشتیان

۱- کتاب "زند" پس از گفتگو درباره شیوع فساد در آخرالزمان بیان می دارد که غالباً

قدرت و قوت و شوکت، با اهریمنان خواهد بود. آنگاه از طرف اهورامزدا به ایزدان یاری رسیده، پیروزی بزرگ کسب نموده، اهریمنان را منقرض می سازد و بعد از این پیروزی، عالم کیهان به سعادت اصلی خویش رسیده، بشریت بر تخت و سریر خوشبختی خواهد نشست.

۲- جاماسب در کتاب معروف خویش نقل می کند از فرزندان دختر پیامبر کسی به

پادشاهی رسد که آخرین جانشین او باشد.

۳- "جاماسب" در کتاب تعالیم خود این چنین می گوید: "آخرین پیامبر و فرستاده خدا

از میان کوه های مکه ظاهر گشته از فرزندان او شخصی ظاهر می شود که جانشین او خواهد بود... در سایه عدل او گرگ و میش یک جا زندگی نموده، جهانیان به آیین مهر آزمای "محمد صلی الله علیه و آله" خواهد گردید."

۴- هنگامی که "گشتاسب" در مورد کیفیت ظهور "سوشیانس" و چگونگی اداره

جهان از او سوال می کند، "جاماسب" شاگرد زرتشت، در جوابش این گونه اظهار می دارد. "سوشیانس" مصلح بزرگ و نجات دهنده بشریت، دین را به همه جهان رواج و گسترش می دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن می سازد، مردم جهان را همفکر و همگفتار و همکردار می گرداند.

اعتقاد به مصلح بزرگ در میان ملت باستان ایران به قدری رایج بوده که در جنگ

قادیسیه، پس از درگذشت، (رستم فرخزاد) سردار نامی ایران، یزدگرد هنگام خروج از کاخ پرشکوه مدائن، ایوان مجلل خود را مورد خطاب قرار داده، چنین گفت: هان ای ایوان، درود من بر

تو باد، از تو روی می تابم تا به هنگامی که با یکی از فرزندان خود که هنوز زمان ظهورش نرسیده به سوی تو برمی گردم.

سلیمان دیلمی می گوید: هنگامی که محضر امام صادق (ع) شرفیاب شدم از این جمله و یزدگرد سوال کردم که مقصود او کیست؟ امام فرمود: او مهدی موعود (عج) قائم آل محمد (ص) است که به فرمان خداوند در آخرالزمان ظهور می کند و او از فرزندان دختر یزدگرد است.

با توجه به مطالب ذکر شده و توجه جهان به مسئله مهدویت می رساند که قضیه حضرت مهدی (عج) حتمی و ضروری است. همه ملت ها و مذاهب اعتراف به ظهور مصلح کل را دارند. از این گذشته تمام سیاستمداران عالم و سردمداران دنیا به این باور هستند که حکومت واحد جهانی می تواند مشکلات بشریت را حل کند و همه جهان به سوی این آرمان پیش می روند و این نیست جز با حکومت جهانی و عدل گستر امام زمان (ع) قطب عالم وجود ان شاء الله به امید آن روز.

امیرالمومنین (ع) و آخرالزمان

... پس رسول خدا در بسط و ابلاغ رسالت و امر هدایت، به امانت و درستکاری کوشید. ارتش اسلام را در میان ما برافراشت و پس از پایان کارش، روی در نقاب خاک کشید و دعوت حق را لیک گفت. هر کس که از آن درفش پیش افتاد از این بیرون، و هر کس مخالفت کرده پیروی ننماید هلاک گردید و کسی که با آن همراه بود به حق پیوست. نگهدارنده و پاسدار این درفش به شکیائی و آرامش سخن گوید و در اجرای امری خردمندان قیام نماید و چون پیاخیزد بسی شتاب کند و قرار و آرام نگیرد تا به پیروزی نهائی برسد. پس آنگاه که شما گردنهای خود را زیر فرمانش نهادید. و به انگشتهای خویش بدو اشاره کردید مرگ او را دریابد (ابن ملجم ملعون شمشیر به فرق مبارکش می زند) و بدان سبب از دنیا رحلت می نماید و شما پس از وی مدتی که خواست خدا است درنگ می نمائید تا هنگامی که خدا برای شما برانگیزد کسی را که پراکندگی شما را در امور دین و دنیا منظم فرماید پس به امام حاضر که به دنیا اقبالی نکند طمع نداشته باشید و از امام زمان که غایب است ناامید نگردید. زیرا ممکن است یکی از دوپای او "سلطنت ظاهری" از جای در رفته بلغزد و پای دیگرش "سلطنت باطنی" برجای ماند. پس روزی ظاهر شده و هر دو پای خود را ثابت و استوار کند. آگاه باشید مثل آل محمد (ص) مانند ستارگان آسمان است، که هر زمان یکی از آنها پنهان شد. دیگری پیدا می شود پس گویا چنان است که از نعمتهای خدای مهربان کاملاً برخوردار شده اید و به آرزوئی که می کردید رسیده اید.

در روزگار آینده زمان پرفتنه و فسادى پدیدار مى شود که در آن هنگام نجات نیابد مگر مومن خداپرست بی نام و نشان که اگر در مجالس حاضر گردد کسی او را نشناسد و اگر غایب شود کسی در صدد جستجویش بر نیاید، چنین مومنانی برای راهروان در شبان تار ضلالت چراغهای هدایت و نشانه های روشن هستند.

اینان در میان مردم برای فتنه ها و فساد و سخن چینی رفت و آمد نمی کنند، عیوب و بدیهای مردم را آشکار نمی سازند، سفیه و بیهوده گو نمی باشند. آنان افرادی هستند که خدای مهربان درهای رحمتش را به رویشان می گشاید و سختی عذابش را از آنها برطرف می نماید.

ای مردم زود است که زمانی بر شما بیاید که در آن زمان اسلام مانند ظرف برگشته ای که هر چه در آن است فرو می ریزد، زیر و رو شود و هر کس اطرافش باشد بگریزد و به سوی رود. ای مردم، خداوند شما را از دست ظلم و جور در سایه لطف خود پناه داد، اما در امتحان شما دیگر از کردار زشتتان حمایت نکند و چه خوب و بزرگوارانه در کتاب آمده است که **"ان فی ذلک لآیات و ان کنا لمبتلین"** یعنی همانا در این حکایت قوم نوح و حادثه طوفان برای خلق آیت و عبرتهاست و البته ما بندگان را به اینگونه حوادث آزمایش خواهیم کرد.

خطبه ۱۰۳ نهج البلاغه

چون حضرت ظاهر شود هوای نفس را به هدایت و رستگاری برمی گرداند هنگامی که مردم هدایت را به هوای نفس تبدیل کرده باشند و رای و اندیشه خویش را بر آنچه خدا در قرآن فرموده است برتری می دهند... زمین پاره های جگر خود را برایش ظاهر می نماید و طلا و نقره و گنجهایش را در اختیار آن حضرت می گذارد کلیدهایش را تسلیم آن بزرگوار می کند. آنگاه

آیین کشورداری و دادگستری را به شما نشان می دهد و احکام قرآن و سنت پیامبر را زنده می کند. نهج البلاغه خطبه ۱۳۸

حضرت در کلمات قصار خود (۲۰۹) می فرماید: همانا که دولت دنیا پس از چموشی کردن وید رکابی کردن با ما به ما مهربان گردد همچون شتری که بچه شیرخوار خود را گازمی گیرد. آگاه باشید پدر و مادر فدای کسانی باد که نامهای گرامیشان در آسمان معروف و در زمین ناشناخته و نامعلوم است (منظور امام از این عده فرزندان والا تبار آن حضرت که ذریه حضرت رسول الله و قطب عالم ایجادند).

بدانید و چشم به راه کارهای نشدنی باشید، از پراکندگی امورتان و گسیختگی پیوندهایتان، زمامداری دشمنانتان، این پیشامدهای ناگوار، هنگامی بر شما می رسد که بر روی مومن تیغ کشیدن بسی آسانتر از یافتن یک درهم پول حلال باشد، در آن روزها پاداش گیرنده از آنکه می بخشد بیشتر است، این کارها زمانی واقع خواهد شد که نیاشامیده مست می شوید، بلکه مستی شما از فراخی نعمت و خوشگذرانی است و بدون اضطرار و ناچاری بیهوده و ناروا سوگند می خورید و به نادرستی می گرائید و بی پروا دروغ می گوئید، این حوادث هنگامی روی خواهد داد که رنج و سختی شما را بگذرد، بسان پالان زبری که کوهان شتر را بخورد و آزار و شکنجه می دهد و همه را در بن بستی بس هراسناک و دردناک می نهد، این رنج چه بسیار دراز و این امید و آرزوی شما بدون ظهور قائم برطرف شدنش تا چه اندازه دور است... به جان خویش سوگند یاد می کنم که در چنین مهلکه ای مومن در شراره آتش آن فتنه می گدازد و کافر سالم از آن می گذرد. نهج البلاغه خطبه ۱۸۷

حضرت قائم و معراج

شیخ اقدم احمد بن محمد بن عیاش در کتاب مقتضب الاثر روایت کرده از جابر بن یزید جعفی که گفت: شنیدم سالم بن عبدالله بن عمر بن الخطاب می گفت، شنیدم رسول خدا می فرمود: خدای عزوجل وحی فرستاد به سوی من در آن شبی که مرا بسوی خود برد که ای محمد چه کسی را جانشین خود کردی در زمین بر امت خود؟ "او دانای این امر بود" عرض کردم: ای پروردگار من! برادرم را

فرمود: ای محمد! علی بن ابیطالب را. عرض کردم: آری ای پروردگار من

فرمود: ای محمد، من واقف و آگاه شدم بر زمین، پس برگزیدم تو را از آن پس ذکر نمی شوم مگر آنکه تو ذکر شوی با من. آنگاه در مرتبه دوم به زمین نظر کردم، پس اختیار کردم از آن، علی ابن ابیطالب را پس وی را وصی تو قرار دادم، پس تویی سید انبیاء و علی سید اوصیا است. آنگاه مشتق کردم از برای او اسمی از اسماء خود پس منم اعلی و اوست علی.

یا محمد به درستی که من خلق کردم علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه را از یک نور، آنگاه عرضه داشتم بر ملائکه ولایت ایشان را پس هر که قبول کرد آنرا از مقربان شد و هر کس انکار نمود از کافران شد. ای محمد! اگر بنده ای از بندگان من، مرا اطاعت کند تا بمیرد و مرا ملاقات نماید بدون داشتن ولایت ایشان او را وارد آتش عذاب خود می نمایم.

آنگاه فرمود ای محمد! آیا دوست داری که ایشان را ببینی؟ گفتم آری، فرمود: پیش برو در جلو خود، پیش رفتم، دیدم علی ابن ابیطالب و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی به جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن

علی و حجه قائم را که گویا مثل ستاره ای درخشان است. در وسط ایشان، پس گفتم ای پروردگار من! کیستند اینها؟ فرمود ایشان امامانند و این کسی که ایستاده است حلال می کند حلال را و حرام می کند حرام را و انتقام می کشد از اعدای من ای محمد! او را دوست بدار زیرا من او را دوست می دارم و دوست می دارم دوستداران وی را.

قیامت و امام زمان (عج)

اسراء - ۷۲

یوم ندعوا کلّ اناسٍ بامامهم

روزی خواهد آمد که ما تمام بشر را به توسط امامهای خودشان خواهیم خواند. قبلاً ذکر شد که خداوند متعال بواسطه بشارت و اندازی که نموده و وعده به بهشت و برخورداری از انعام بهشتی را داد. و از آنطرف وعید و جزا و سخط الهی را نیز به سرکشان گوشزد نموده، لازم می آید که اولیاء خود را نیز جهت راهنمایی و ارشاد انسانها به سوی آنان ارسال نماید. لذا خداوند مردم را در هر زمان و مکانی از نعمت رهبری و امامت برخوردار نموده و ایشان را از این لطف خود بهره مند کرده است و همانگونه که خورشید باعث رشد و تکامل گیاه و درخت شده و سبب به ثمر رسیدن میوه ها می گردد. نور ولایت مطلقه اهل بیت و امام نیز سبب کمال و رشد و ترقی انسانها در رسیدن به قرب الهی می شود و در قیامت که محل برداشتن محصول و به بار نشستن اعمال و نیات است هر فردی از افراد باید با امام خود وارد شود که همانطور که هر انسانی را از همنشینان و دوستان او شناخته و شخصیت و شان او را مورد ارزیابی قرار می دهند و یا اگر نوجوانی دچار اشتباه و یا موفق به پیروزی شد والدین او در مرحله اول مخاطب واقع می شوند و یا انسانهایی که به مدارج عالی علمی و معنوی نائل شده اند از اساتید و معلمان ایشان می پرسند تا پی به عظمت علمی او ببرند.

پس برانسان سالم و عاقل است که در انتخاب و الگوپذیری و پیروی از رهبر خود تحقیقات کامل و بدون غرض و تعجب و پرهیز از رفتارهای جاهلانه را انجام داده و سعادت خود را تضمین نماید و کسی را به عنوان امام خود برگزیند که مورد عنایت حضرت حق و فرستاده اوست. در حدیثی امام صادق (ع) می فرمایند:

❖ **الا تحمدون الله اذا كان يوم القيامة مدعا كل قوم الى من يتولونه و دعانا الى رسول الله و فدعتم الينا فالى اين ترون يذهب بكم الى الجنة و رب الكعبه قالها ثلاثاً.**

آیا شما حمد و سپاس خدا را بجا نمی آورید؟ هنگامی که روز قیامت می شود خداوند هر گروهی را با کسی که ولایت او را پذیرفته می خواند ما را به همراه پیامبر و شما را همراه ما، فکر می کنید در این حال شما را به کجا می برند ، به خدای کعبه به سوی بهشت - سه بار امام این جمله را تکرار کرد .

مجمع البيان

هر انسانی که خواهان رشد و سعادت است باید لجام زندگی خود را بدست کسی بسپارد که امین او بوده و یار و دلسوز او در امور باشد و امور او را بهبود بخشیده و دنیا و عقبی او را آباد کرده و تامین نماید و این کسی نمی تواند باشد جز فرستاده خدا و جانشینان بر حق او .

❖ **اطيعو الله و اطيعو الرسول و اولى الامر منكم**

روز قیامت که بر پا می شود و صور اسرافیل می دمدمت آنها با رهبر و امام خود حاضر می شوند و هر کس به هر چه که دلبسته و اطاعت او را نموده و محبت او را به دل داشته باشد با همان محشور می شود و وای بر کسانی که به فکر خویش نبوده باشند و در این انتخاب اشتباه کرده و شیاطین اغواگر را بر اولیاء بر حق الهی ترجیح داده باشند که در آن یوم الحسره ، جز افسوس و ندامت کاری از پیش نخواهند برد.

در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم
به وقت صبح قیامت که ز جای برخیزم به جستجوی تو خیزم به گفتگوی تو باشم

امام زمان ، منتقم خون جدشان امام حسین و اولیاء و پاکان

این الطالب بذحول الانبیاء و ابناء الانبیاء این الطالب بدم المقتول بکربلا

دعای ندبه

کجاست آن امام منتقمی که از ظلم و ستم امت بر پیغمبران و اولاد پیغمبران دادخواهی کند کجاست آنکه از خون (جد بزرگوارش امام حسین) شهید کربلا انتقام بگیرد.

امت یهود بدترین و شقی ترین امتی است که تاکنون شناخته شده و قرآن از آنها بخوبی یاد نمی نماید چرا که همیشه بدنبال بهانه جوئی و ناسپاسی و کفران و زیاده طلبی و برتری جوئی بوده و به جای شکرگزاری و سپاس از نعمت هدایت الهی راه عناد پیش گرفته و با پیامبران الهی سرناسازگاری را گزارده و آنها را به شهادت می رساندند.

خداوند در سوره مائده آیه ۷۰ درباره این قوم معاند می فرماید :

**لقد اخذنا میثاق بنی اسرائیل و ارسلنا الیهم رسلا کما جاءهم رسول
جمالا تهوی انفسهم فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون**

از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم (که خدا را اطاعت کنند) و پیامبرانی بر آنها فرستادیم (که احکام خدا را بیاموزند) هر رسولی آمد چون برخلاف هوای نفس آنها سخن گفت، گروهی را دروغگو خواندند و گروهی را به قتل رساندند.

در روایات اینگونه آمده است که کشتن پیامبران الهی به اندازه ای برای یهود طبیعی بود که روزی از طلوع فجر تا طلوع آفتاب ۷۰ پیامبر الهی را کشته ، سر از بدن آنها جدا کردند و سپس به مغازه های خود رفته و مانند روزهای دیگر کار روزانه را شروع کردند... و چه جنایتی بزرگتر

از آنکه پیامبر اسلام را شهید کردند (مسمومیت توسط زنی یهودیه)

کتاب دنیا بازیچه یهود

امام باقر (ع): در پاسخ به پرسش ثمالی از علت نامگذاری آن حضرت به قائم فرمود:

چون جدم حسین (ع) کشته شد فرشتگان با گریه و فغان به درگاه خداوند عزوجل فریاد برآوردند

که ای خدا و سرور ما! آیا از کسی که برگزیده تو و فرزند برگزیده تو و بهترین آفریده تو را

می کشد چشم می پوشی؟

خداوند عزوجل به آنان وحی فرمود که فرشتگان من آرام بگیرید، به عزت و جلالم

سوگند از آنان انتقام خواهم گرفت گرچه به طول انجامد آنگاه، خداوند امامان از نسل امام حسین

(ع) را به فرشتگان نشان داد و فرشتگان بدان شادمان گشتند در میان آنان یکی ایستاده بود و نماز

می خواند. خداوند فرمود: با این قائم از آنان انتقام می کشم.

بحار الانوار ج ۵۱

خداوند در سوره اسراء آیه ۳۳ می فرماید:

... و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل انه

کان منصوراً

و کسیکه به ناحق خون مظلومی را بریزد، ما بر ولی او حکومت و تسلط بر قاتل را

دادیم. پس در مقام انتقام، آن ولی در قتل و خونریزی اسراف نکند که او از جانب ما مرید و

منصور خواهد بود.

علامه مجلسی در کتاب نجم الثاقب به نقل از تفسیر عیاشی از حضرت امام باقر (ع) نقل

می کند که حضرت فرمود: او حسین بن علی (ع) است که مظلوم کشته می شود و ما یم اولیای او

و قائم از ما چون خروج کند و طلب نماید خون حسین (ع) را پس می کشد تا آنکه می گویند در

کشتن اسراف کرد و در ادامه فرمود مقتول حسین (ع) است و ولی خون او حضرت قائم (عج) است. و اسراف در قتل آنست که بکشد غیرقاتلی را (که این نیز از شان و علم امام بدور است که کسی را بی دلیل قصاص نماید لذا هر کس که به امر شهادت امام راضی باشد مانند شرکای در قتل آنها می باشند).

خداوند در سوره مبارکه حج آیه ۳۹ می فرماید:

اذن للذین یقتلون بانهم ظلموا و ان علی نصرهم لقدير

رخصت (جنگ با دشمنان به جنگجویان اسلام داده شد زیرا آنها از دشمن ستم کشیدند و خدا بریاری آنها قادر است.

علی بن ابراهیم در تفسیر خود از حضرت باقر نقل می نماید که فرمود:

این آیه در شان حضرت قائم است. بدرستی که آن حضرت خروج می کند و مطالبه

می نماید خون حسین (ع) را.

در کتاب غیبت فضل بن شاذان روایت شده که شعار اصحاب آن حضرت یا لشارات

الحسین (ع) است.

در کتاب (امالی) شیخ صدوق از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود: ضربت

خورد حسین من به شمشیر، آنگاه پیش رفت قاتل آن حضرت که سرش را جدا کند. ندا کرد

منادی از جانب ربّ العزه تبارک و تعالی از وسط عرش پس گفت: آگاه باشید ای امت سرگردان

ظالم بعد از پیامبر خود، خداوند موفق نکند شما را نه برای قربانی و نه فطر.

آنگاه حضرت فرمود: لاجرم والله، موفق نمی شوید و موفق نخواهند شد هرگز تا آنکه

برخیزد، خونخواه حسین (ع) یعنی حضرت قائم (عج).

ابوالصلت هروی گفت به خدمت حضرت امام رضا (ع) عرض کردم یا بن رسول الله! چه

می فرمایی در حدیثی که روایت شده از حضرت صادق (ع) که فرمود: وقتی که حضرت قائم

خروج کند. ذریه قاتلان امام حسین را به قتل آورد به سبب کردار پدرهای ایشان حضرت امام

رضا (ع) فرمود: بله چنین است، من عرض کردم که خدای عزوجل فرموده:

فاطر - ۱۸

ولا تزر وازره وزر اخری

معنای آن چیست؟ و هیچ کس بار گناه کسی را به دوش نکشد

فرمود حق تعالی صادق است در جمیع اقوال خود ولکن ذریه قاتلین حضرت امام حسین

(ع) راضی بودند به کارهای پدران خود و به آن فخر می کردند و هر کس راضی به کاری باشد

گویا خود آن کار را کرده و اگر مردی در مشرق کشته شود و مردی در مغرب از کشته شدن او

راضی باشد هر آینه این رضا شونده در نزد خدای عزوجل شریک آن کشنده است.

بدرستی که حضرت قائم وقتی که بیرون می آید ایشان را می کشد به سبب رضا بودن

ایشان به فعل پدران خود.

یارب الحسین بحق الحسین اشف صدر الحسین بظهور الحجه

انشاء الله

تشکیل حکومت جهانی و رفع مشکلات

حضرت امام محمد باقر (ع) فرمود:

❖ اِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ظَهَرَ بِرَأْيِهِ رَسُولُ اللَّهِ (ص)

هنگامیکه حضرت قائم ظاهر می شود با پرچم رسول الله ظهور می نماید

در اولین رویارویی دولت اسلام با حکومت کفر یعنی در جنگ بدر حضرت جبرئیل پرچمی را که تاروپود آن از برگ درختان بهشتی بود بخدمت حضرت رسول اکرم (ص) آورد و آن سرور پرچم را به نشانه پیروزی گشودند و بعد از فتح بدر آن را پیچیده و به حضرت علی (ع) دادند. در جنگ بصره نیز آن حضرت پرچم را گشودند و این پرچم بدست هر یک از ائمه رسید تا الان در دست مبارک حضرت بقیه الله موجود می باشد و انشاء الله پرچم توحید و رستگاری و این آرم دولت حکومت اسلامی را به اهتزاز درخواهند آورد. از شگفتیهای این رایت این است که چون گشوده شود به فاصله یک ماه مسافت، ترس و هراس از چهار جانب آن به جان دشمنان می افتد و آنان را از هر گونه تحرک و اقدام باز می دارد و این امنیت و اقتدار خود اولین دستاورد دولت جهانی اسلام و اولین قدم برای رفع اضطراب و نگرانیهای مردم می باشد.

از دیگر الطاف وجود حضرت و دولت کریمه ایشان از میان برداشتن سیستم غلط قضایی رایج در دنیا که بواسطه آن رشوه و باج گیری و حق کشی و نادیده گرفتن حق ضعیفا و مظلومین در آن بسیار سهل می باشد و جایگزینی کلمه الهی است. حضرت امام جعفر صادق (ع)

می فرماید:

❖ **اذاقام قائم ال محمد (ع) حکم بین الناس بحکم داود، فلا یحتاج الی بینه فیلهمه الله تعالی، فیحکم بعلمه .**

آنگاه که قیام کننده آل محمد (ص) پاخیزد در میان مردم به حکم داود حکم نماید، و نیازی به شاهد و بینه ندارد. بلکه خداوند بلند مرتبه او را الهام می کند و او به علم خویش عمل خواهد کرد.

آری او عین الله الناظره و به "حکم الله المرضی" حکم نموده و با یدالله الباسطه اجرای حکم کرده و دیگر نگرانیهای مظلومین و ضعفا و مستضعفین در حین مواجهه با ظلمی از بین رفته و با اطمینان خاطر احقاق حق کرده و دیگر ترسی وجود ندارد و سیستم قضائی آن حضرت بسیار دقیق و منظم و منصفانه و صادقانه می باشد.

از دیگر الطاف و برکات ظهور و بروز دولت حضرت مهدی (ع) این است که بنیانگذار فتنه و دشمنی و نفاق و گناه یعنی ابلیس را کشته شده و دیگر بساط گناه و عصیان را در هم پیچیده و عوامل آن را نابود می سازد. ابلیس وقتی که از درگاه خداوند متعال رانده شد به سبب عبادتش از خدا مهلت خواست و خداوند نیز به او مهلت داد.

فجر - ۳۷

❖ **فانک من المنتظرین الی یوم الوقت المعلوم**

اهل بیت در تفاسیر خود از وقت معلوم به روز قیام آل محمد (ص) اشاره نموده اند و وقتی حضرت در مسجد کوفه مستقر گردند ابلیس پیش آید و بر زانو افتد و فریاد برکشد "واویلا از این روز" پس آنحضرت، جلوی پیشانی ابلیس را گرفته و گردنش را می زند.

بحارالانوار ج ۵۲

در برخی روایات نیز کشته شدن ابلیس توسط پیامبر مکرم اسلام می باشد.

بحارالانوار ج ۵۳

و بدین سبب اساس و بنیان تباهی و ظلم و عامل اصلی در شقاوت بشر از بین می رود.

جنگها و خونریزیها و برادرکشی و دست یازیدن به جنایات مختلف و ارتکاب به محارم و معاصی

الهی فقط و فقط بخاطر رسیدن به منابع مادی و سرمایه های موجود و رفع نگرانیها و دغدغه های

زندگی است که این مسئله نیز علی الظاهر برای کسانی که فقط از بعد مادی به مسائل می نگرند

نیز بواسطه داشتن سرمایه و مال مرتفع می گردد فلهدا دسترسی به این مهم برای ایشان میسر

نخواهد بود جز با تضحیح حقوق سایرین و استثمار و استکباری عمل کردن در بین مردم و این منجر

به طبقاتی شدن جامعه و از بین رفتن تعادل و آرامش روانی جامعه و نتیجه آن جز ناهنجاری و

شیوع خلافها و بزهکاری در جامعه نخواهد بود.

دیگر مسئله ای که ذهن هر فردی را در ابتدای امر در هر زندگی بخود معطوف و مشغول

می دارد داشتن امنیت روحی و روانی و بهداشت آن می باشد و برای ایجاد این حالت بشدت

محتاج اسباب و امکانات جهت رفع آفات و تهدیدات پیرامون خود می باشد و آهسته، آهسته به

فکر تجهیز امکانات برای مقابله با آن تهدیدات شده و افراد در رقابت با یکدیگر و جوامع نیز به

شکل وسیعتر به عدم اطمینان به همسایه خود بفکر تقابل یا دفاع برآمده. تا بتواند از کیان، عقاید،

شرف و عرض و ناموس خود در مقابل دشمنان دفاع نمایند پس این دو مسئله اساسی و بسیار مهم

و ایجاد رقابت در جوامع از اصل هدف خود که رفع نیاز بشر بوده درآمده و وجود این امکانات

بشر به کفر کشورگشائی و جذب منابع مالی سایرین بوسیله زور و امکانات خود شده و دچار

سرکشی و طغیان و ظلم می گردد و جوامع ستمدیده و مظلوم در زیر فشار این مشکلات دیگر قادر به رشد نخواهند بود. فلذا زمان حضور و ظهور حضرت این دو مشکل نیز با تلاش و کوشش تمامی افراد و ارشادات حضرت نیز مرتفع می گردد. از برکات دیگر وجود حضرت این است که زمین تمام ثروتهای خود را برای آن حضرت ظاهر می نماید و در اختیار حضرت قرار می دهد.

حضرت امام موسی کاظم (ع) می فرماید:

بحارالانوار ج ۵۱

و یظهر له كنوز الارض

برای او گنجهای زمین هویدا می شود.

زمین به یمن وجود حضرت سفره دلش را برای امام می گستراند و همه اموال در اختیار امام قرار می گیرد. حضرت با نغمه دلنشین و ملکوتی خویش خطاب به مردم می فرماید بیاید این چیزهای است که بخاطر آن قطع رحمها کرده و خونهای محرم را می ریختید و مرتکب محرمات الهی می شدید.

بحارالانوار ج ۵۲

و بدین وسیله از آن گنجها و اموال عطا می فرماید که هیچ کس تا قبل از آن حضرت اینگونه بذل و بخشش ننموده و تمام محتاجان بی نیاز می گردند و دیگر کسی بر کسی در مال برتری ندارد و بدینگونه مشکل فقر مالی افراد از بین رفته و دغدغه آینده و امور مادی مردم مرتفع می گردد و با این کار تمام مشکلاتی که به نوعی به اقتصاد و سیستم پولی وابسته است نیز حل می شود. یک سیستم اقتصادی پویا و فعال در سطح جامعه ایجاد می شود و مردم با خیال راحت به کار و سرمایه گذاری و کسب مشغول می شوند.

یکی دیگر از برنامه های دولت حضرت والا مقام و عالی جناب امام مهدی (ع) آنست که بوسیله ایشان و با حضور و ظهور ایشان راهها دارای امنیت می گردد و مردم با خیال راحت به تجارت و سیاحت پرداخت و عرض و نوامیس ایشان در امنیت می باشد. حضرت صادق (ع) در حدیثی می فرماید:

بحارالانوار ج ۵۲

و امنیت به السبیل

و راهها بوسیله او امن می شود

وجود امنیت و آسایش در یک جامعه حتی از اقتصاد نیز مهم تر و ضروری تر است و لذا با امنیت سایر مسائل به سهولت حل می گردد.

و این امنیت آنقدر وسیع و پر معنا و دارای دستاوردهای غیرقابل تصویری می باشد که حتی جانوران و وحوش نیز به راحتی در بین انسانها تردد داشته ولی پا به حریم خصوصی کسی نگذارند. و از حد خود تجاوز نمی نمایند و تمامی مزاحمتها و شرارتهای و بدیها بواسطه حضور حضرت مرتفع می گردد بطوریکه زنی ضعیف مابین مشرق و مغرب رفت و آمد نماید، نیازی به همراه نداشته و کسی نیز مزاحم او نخواهد شد.

اللهم اجعلنا من اعوانه و انصاره

آثار و علامات انتظار

هر عملی در صورت تکرار و مداومت بر آن به صورت ملکه در جان انسان تثبیت شده

و آثار و نتایجی در پی دارد که آن آثار ارتباط مستقیم با آن عمل دارد.

کسی که خود را در زمره منتظران امام زمان قلمداد نموده و مدعی سربازی آن امام همام را

دارد. به واسطه انتظار و تمرین در اطاعت از فرامین ایشان دارای حالات روحی و معنوی خاصی

می شود که قابل تمیز از سایرین می گردد. فردی عاشق و دلباخته و فدایی و آماده جانفشانی می

شود و حرکات و سکنات و زندگی او را تحت شعاع قرار می دهد. حال بعضی از آثار انتظار بدین

۱- از همه هستی و مقامات و مدعیان آزادی و عدالت ناامید گشته و مضطر می شود و قلبش

از شدائد و مصائب و بی دینی و تهدیدات دشمنان و چپاول ثروت مسلمین غمگین شده

و تنها ملجأ و ماوی خود را امام معصوم می داند.

۲- از درد فراق و جدایی محزون و مغموم است و چشمانش گریان و دوخته به راه است و

از مظلومیت اسلام و احکام الهی و قرآن و غصب مقام امام معصوم و سهل انگاری

مسلمانان نسبت به حوادث خویش غصه دار است.

۳- در هر محفل و مجلسی وارد می شود به نیابت از ایشان و با نام و ذکر ایشان است.

۴- زیبایی ها و شادی های روزگار برایش بدون امام، بی معنا و بی مفهوم است و این مسائل

را زودگذر و تنها مسکنی برای دردها و زخمهای عمیق بشر می داند اما علاج آنها را

ظهور امام معصوم می داند.

۵- در حالات خوش عبادت و مناجات با معبود تنها برای ظهور مولایش دعا نموده و سلامتی او را خواستار است.

۶- در هر مکانی دیگران را تشویق بر دعا برای آن حضرت می نماید.

۷- از مصائب و سختی هایی که بر او وارد می شود، مأیوس و دلسرد نمی شود و قوی و مستحکم خود را آماده ظهور حضرت می نماید و با گذشت زمان شوق وصالش بیشتر شده و زمان باقیمانده را با لذت و مسرت به امید دیدار جمال ماه گونه اش به انتظار می نشیند.

غمّ ایشان پایان دوران غیبت و زمان ظهور و آمادگی برای اطاعت از فرامین حضرتش می باشد.

۹- می داند که بهترین عمل برای مؤمن در زمان غیبت انتظار کشیدن است ، انتظار بهترین خلق خدا و عصاره هستی و مدبر امور که این فرد تنها امام زمان (عج) است که پیامبر اکرم (ص) او را از ذریه خود خوانده و نشانه های او را ذکر فرموده اند :

افضل الاعمال انتظار الفرّج

است و به کلام حضرت حق که فرموده:

و نريد ان نقن على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم الائمة و نجعلهم الوارثين

اراده ما بر این قرار گرفته که به مستضعفین نعمت بخشیم و آنها را پیشوایان و وارثین
روی زمین قرار دهیم نیز ایمان داشته و به امید روزگار رهایی و دولت کریمه ایام را سپری
می‌نماید.

وظایف مسلمانان در عصر غیبت

مسلمانان در زمان غیبت باید مقدمات ظهور حضرت را مهیا نموده، فلذا تنها دعا کردن و دست روی دست گذاردن مشکلات حل نمی شود و باید با سعی و تلاش و جدیت و فراهم آوردن مقدمات، انسانها را آگاه و ایشان را از اهداف این انقلاب بزرگ جهانی که پروردگار عالمیان آن را نوید داده، مطلع نمود تا مردم با آگاهی و شناخت بیشتری به استقبال ایام ظهور گام بردارند، حال به اهم وظایف یک فرد مسلمان در زمان غیبت می پردازیم.

- ۱- وظایف عقلانی: با تدبیر در احکام الهی و فلسفه آنها و علت نیاز به امام و انقلاب جهانی و همچنین برنامه های امام پس از ظهور و اهداف ایشان در حکومتشان انسان به راحتی خود را مهبای فداکاری برای چنین اهداف و آرمانها و ارزشهای انسانی می نماید. معرفت به امام و شناخت ایشان و مقام و جایگاه ایشان در عالم هستی و ارتباط او با پروردگار و سایر مخلوقات در زمان به ثمر رسیدن این انقلاب بزرگ کمک می نماید.
- ۲- وظایف قلبی و جوانحی: فرد مسلمان باید به این نکته توجه داشته باشد که طبق سفارش پیامبر اکرم و ائمه اطهار تنها ملاک قبولی اعمال تولی یعنی ابراز علاقه و مودت قلبی به اوصیاء و برگزیدگان الهی است و تبری جستن از دشمنان ولایت اهل بیت می باشد، لذا فرد مسلمان سعی دارد این دو حکم از احکام الهی را در قلب خود به نحو شایسته تثبیت نماید.

۳- از اهم وظایف، وظایف عملی و جوارحی است. در این قسمت هر فردی باید سیره عملی اهل بیت علیهم السلام را در پیش گرفته و تمام دستورات و سنن ایشان را در زندگی اجرا نماید و این روش باید در تمام شئون فردی و اجتماعی رعایت شود و چنین شخصی از فرط علاقه به مولای خود رنگ و بوی او را به خود گرفته است.

باید فرد فرد ما بکوشیم که این وظایف را به نحو شایسته و در حد ممکن و توان انجام داده و رضایت امام خویش را جلب نماییم و نام ما در زمره سربازان و منتظران واقعی و صالحان و ابرار ثبت گردد. از جمله آن خلیات نیکو روحیه ایثارگری و فداکاری و خدمتگزاری به مسلمین و رفع نیازهای مادی و معنوی ایشان می باشد.

از این رو در دعای کمیل خوانده می شود که " **قُوْ عَلی خدمتک جوارحی** "

خدایا جوارح و اعضای بدن مرا قوتی ببخش و توانی بده که آماده هرگونه خدمتگزاری و اطاعت پذیری از تو باشم.

دو رکعت نماز و در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه سوره توحید و بعد از اتمام نماز

هفت مرتبه بگوید "سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا

قوه الا بالله العلی العظیم" ثواب یک ختم قرآن به او عطا می شود.

نماز روز دوشنبه :

به هنگام چاشت (اول صبح) چهار رکعت نماز بجا آورد. در هر رکعت بعد از حمد

سوره توحید و فلق و ناس را یک مرتبه بخواند به ایشان چهار خانه در بهشت عطا می شود.

نماز شب سه شنبه :

دو رکعت نماز در رکعت اول بعد از حمد یک مرتبه سوره قدر و در رکعت دوم بعد از

حمد هفت مرتبه سوره توحید خوانده شود. درجاتش رفیع و گناهانش بخشیده می شود.

نماز روز سه شنبه :

دو رکعت نماز بجا آورد در هر رکعت بعد از حمد سوره زیتون، توحید، فلق، ناس را

یک مرتبه بخواند، ثواب ایشان هشت درب بهشت برایش گشوده می شود.

نماز شب چهارشنبه :

دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه سوره توحید و یک مرتبه آیه الکرسی و

یک مرتبه سوره نصر و یک مرتبه سوره قدر خوانده شود.

نماز روز چهارشنبه :

به هنگام بلند شدن روز دو رکعت نماز بجا آورد. در هر رکعت بعد از حمد یک مرتبه

سوره توحید و یک مرتبه کافرون و فلق و ناس را بخواند. هفتاد هزار ملک تا روز قیامت برایش

استغفار می کنند و قصری در بهشت به او عطا می شود به قدر شهر بزرگی از سرزمینهای دنیا.

نماز شب پنج شنبه:

شش رکعت نماز بجا آورد که در هر رکعت بعد از حمد یک مرتبه آیه الکرسی و یک مرتبه سوره کافرون و سه مرتبه سوره توحید را بخواند و بعد از سلام سه مرتبه آیه الکرسی را بخواند اگر نامش در طومار اشقیاء ثبت شده باشد، محو می شود و در طومار شهداء نوشته می شود.

نماز روز پنج شنبه :

هر کس چهار رکعت نماز کند و در هر رکعت هفت مرتبه سوره حمد و یک مرتبه سوره قدر را خوانده و بعد از فراغ از نماز صد مرتبه بگوید: اللهم صل علی محمد و آل محمد و صد مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد و جبرئیل: حق تعالی در بهشت هفتاد هزار قصر به او عطا می فرماید.

نماز شب جمعه :

دو رکعت نماز در هر رکعت بعد از حمد ، هفتاد مرتبه سوره توحید را بخواند و بعد از سلام ۷۰ مرتبه استغفرالله بگوید یا نماز دیگر اینکه دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد یک مرتبه آیه الکرسی و پانزده مرتبه سوره توحید و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بفرستد.

نماز روز جمعه :

چهار رکعت نماز در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره توحید را بخواند.